

سال سوم نیمه دوم مهر ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

مرگ بر جمهوری اسلامی مرگ بر تروریسم!

خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها بروند، زنده باد همبستگی بین‌المللی

مزدوران رژیم با فتنه دیگری را در کراچی سرور کردند.

اعتراف پناهندگان علیه این جنایت صبح روز ۲۲ شهریور ۱۴ سپتامبر، یکی از عازم یکی از شعبات وابسته دفتر سازمان ملل در کراچی بود، مورد حمله مزدوران رژیم تروریست و جنايتكار جمهوری اسلامی قرار گرفت. مزدوران وی را هدف رگبار مسلسل قرار داده و با اسلحه‌های گمری بظرف سرش تیراندازی کردند. پناهنده ایرانی اگرچه از مرگ نجات یافت اما وضعیت عمومی وی نگران‌کننده است.

بدین سبب در تاریخ ۸۹/۹/۲۰ برای اعتراض به سهل‌انگاری شما پندگی سازمان ملل در تاسیس امنیت جهانی پناهندگان و آژورگان در مقابل دفاتر خود برای اعتراض به اعمال جنایتکارانه رژیم اسلامی در حمله به پناهندگان و نیروهای ابوزیسیون در خارج، پناهندگان ایرانی مقیم کراچی، به دعوت شورای پناهندگان و آوارگان



تظاهرات در برابر نشانی یک آلمان فدرال

عمدتاً پناهندگان ایرانی ترتیب یافت. برای اطلاع خوانندگان پیام کارگر گزارش چند نمونه از آنها را درج می‌کنیم:

جنایت هفته آخر رسماً و روزی پناهنده در آلمان فدرال، تحمات و آکسیونهای با شکوهی شرکت نیروها و احزاب مترقی و عمارت‌دوست آلمانی و پناهندگان از ملیت‌های گوناگون و

بقیه در صفحه ۲

ملاقات یزدی با مادام کوپرو و ضد حمله حزب الله

آخرین دسته کلی است که ایشان به آب دادند. ملاقات بالاترین مقام قضایی رژیم با سید، زن خارجی، از هم برادرین جاسوسان رخن است. حزب الله را نالاوده و تاب تحمل از آنها بوده است. ما یزدی که دفاع از بازآر سرما به داران عزیز که اکنون منتظر راه افتادن بازسازی هستند، تا سازیم اقتاده و بهین دلیل در انتخابات دوره قبل مجلس از دست است حزب الله سبلی سختی خورده بود، گوشه این حرف‌ها به‌هکارت نیست. وی در ملاقات با خانم "لیلی کوپرو" آشکارا گفت که موضوع را جز کوپرو ارتباطی با مسائل سیاسی بین دو کشور و آزادی کوروش فولادی ندارد. صرفاً یک ساله قضایی است و با تاکیدها اینکه

آیت‌الله یزدی که بعد از روی کار آمدن رفسنجانی بجای اردبیلی به ریاست قوه قضائیه انتخاب شده است، برخلاف خاتمه‌ای و رفسنجانی، بدون ملاحظات ضروری برای حفظ روحیه حزب الله تا بحال به اقدامات جنجالی چندی در حمالیت قاطع از سرما به داران و برداشتن موانع برقراری ارتباط با شیاطین و دشمنان لجه‌های آمریکا دست زده است. دفاع از قانونیت (اسم رمز دفاع از مالکیت و سرمایه در حکومت اسلامی و اعلان جنگ علیه حزب الله)، هجوم به دست نروشان، دستگیری و جمع آوری آنها، تاکیدها استقلال قوه قضائیه (یعنی عدم تمکین به فشارهای حزب الله) و اظهار تمایل به عفو و آزادی را جز کوپرو جاسوس انگلیسی و ملاقات با مادام کوپرو زن برادر خاوس

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

سوسیالیسم: در صفحه ۱۲
هدف در خودی شیوه سازماندهی
مباحثه با وایدیمزاکلادین

در این شماره:

منوچهر محجوبی در گفتگوی
"پیام کارگر"

طنز و تارین طنز در ایران (۲)
در صفحه ۸

آلمان دمکراتیک

قورت دادنی نیست.

در صفحه ۱۰

مبارزه پناهندگان

در با برن آلمان

در صفحه ۳

هنر

معرفی آثار داریوش کارگر

در صفحه ۵

در باره "فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی"

حزب کمونیست کومه‌له زکا رتوده‌ای چه می‌فهمید؟

در صفحه ۶

خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها

ادامه از صفحه ۱

براشوایک آلمان غربی: به منظور اعتراض به قانون ضدپناهندگی جدیدی که دربارلمان یالت نیدرزاکسن آلمان غربی بتمویب رسیده است، در تاریخ ۸۹۸/۳ به دعوت و فراخوان حزب سبزها در برانشوایک، یکمظاهرات بزرگ علیه این مصوبات غیرانسانی برپا گردید، درمیان خارجی شرکت‌کننده پناهندگان ایرانی تقریباً نصف مصوف را هییماشی تشکیل میدادند. شعارهای "خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها بمانند" و "زنده بماند همبستگی بین‌المللی" درطول راهپیمایی تکرار میگردد. راهپیمایان درطول مسیر در مقابل‌ها پناهندگی برانشوایک ایستاده و نسبت به وضعیت بدزندگی پناهندگان هائیم اعتراض کردند پس ازپایان راهپیمایی ایرانیان شرکت‌کننده درمظاهرات توسط فاشیست‌ها جنش مقاومت پناهندگی بدمانی دعوت شدند و دست ازوکلائی مترقی نسبت به عواقب قوانین جدید علیه پناهندگان هندا روتوضیحاتی دادند. برابراین مقررات متقاضیان جدید پناهندگی بعد ازورود به آلمان فدرال درقرنطین‌هاکامل بدون حق ملاقات و گفتگو با وکیل و غیره نگه‌داشته شده و طی مدت کوتاهی (یک هفته) وضع آنان مورد رسیدگی قرارگرفته و در صورت عدم پذیرش بعنوان پناهنده، بلافاصله اخراج (دیپورت) میشوند.

ملاقات یزدی با مادام کوپرو

ادامه از صفحه ۱

راجر کوپرو محاکمه شده و دوران محکومیت خود را می‌گذراند، اظهار امیدواری کرد که احتمال عفو کوپرا زوسی مقام رهبری وجود دارد و بعنوان یک انسان (!) امیدوار است که وی هرچه زودتر مورد عفو اسلام قرارگیرد. البته یزدی برای بستن دهان امت حزب الله، با شومن جدید آنها، ترور نیست معروف کورش فولادی نیز ملاقات کرده و طبق گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی از وی دلجوئی بعمل آورد. اما در همان حال باز به استقلال قوه قضائیه در رژیم اسلامی (یعنی عدم تمکین‌اش به فشارهای حزب الله) تاکید کرد. گردنکشی یزدی عدم ملاحظه‌اش در رعایت ظاهراً تجمعات برای حزب الله مغیوب شده گران آمده که جنایتکار معروف خلخالی در مجلس به صدا درآمده و نسبت به اقدامات

مرگ بر جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

و کمیته پناهندگان و آوارگ‌ها در بلوچ ایرانی در مقابل ساختمان‌ها پناهندگی سازمان ملل دست به اعتراض زدند. نظامی‌ها پناهندگان در قلعنا مه پایانی اعمال جنایتکارانه رژیم اسلامی و سیاست منفعلانه و غیر مسئولانه مقامات سازمان ملل در کراچی را محکوم کرده و خواهان اقدامات قانونی و انسانی واداری از طرف پناهندگی سازمان ملل گردیدند. آنها

ها نو فر آلمان غربی: ساعت ۳ بعد از ظهر روز جمعه ۸۹/۹/۲۹ بمناست هفته خارجیه، مظاهراتی با شرکت پناهندگان و کارگران از ملیت‌های مختلف از جمله شرکت اسپانیایی و ایرانی و نیروهای مترقی و بشردوستان آلمان برگزار گردید. مظاهرات از مسر پرزنت و آندوسکونت خارجیه عبور کرده و متنهایی در انقشای سیاستهای ضد خارجی دولت آلمان و وضعیت پناهندگان زندگی پناهندگان و کلا خارجیه خوانده شد.

هانوفر- آلمان غربی: شنبه ساعت ۹ شب توسط

نیروهای ضد فاشیست آلمان غربی در شهر هانوفر مظاهراتی در میدان اصلی شهر برپا گردید.

پناهندگان ایرانی و ترک با شرکت در این حرکت از خواسته‌های آنان حمایت کردند.

پلیس آلمان فدرال بطور غیرعادی بسیج شده بود تا از اقدامات احتمالی نیروهای ضد فاشیست جلوگیری کند. شعار اصلی این مظاهرات نیز خارجی‌ها بمانند، فاشیست‌ها بروند بود. مظاهرات تا ساعت ۱۱/۳۰ شب ادامه داشت و تعدادی از شرکت‌کنندگان در مظاهرات به یک دکه محل تجمع فاشیست‌ها حمله کردند که یکی از آنها توسط پلیس دستگیر شد. هایدلبرگ- آلمان غربی:

روزیکشنبه اول اکتبر (روز پناهنده) که در همه جهان بعنوان روز پناهنده شناخته شده است، پناهندگان ایرانی مقیم شهر هایدلبرگ آلمان فدرال مراسمی را برگزار کردند. تا این مراسم همبستگی و اتحاد پناهندگان برای احقاق حقوق انسانیشان

مقامات عالی‌رتبه کشور بدون اینکه اسمی از آنها ببرند حمله کرده، اظهار داشت که طرفداران واقعی امام بالاخره به مقامات خود برخواهند گشت و حذف آنها نخواهد توانست ادامہ یابد. بسرای تکمیل کردن گرمخالفات خوانی و ایجاد مانع در مقابل رفسنجانی و آدمپایش، ۱۱۰ نفر از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای با توسل به اصل ۸۸ قانون اساسی رژیم، خواهان حضور وزیر دادگستری در اولین فرصت در مجلس و توضیح پیرامون اظهارات رئیس قوه قضائیه شدند.

آنها در نامه مزبور که بیشتر شباهت به استیضاح دارد خواهان جواب در مورد سه مسأله زیر شده‌اند:

"۱- وجه ملاقات بالاترین مقام قوه قضائیه با یکی از بستگان نردی که به جرم جاسوسی و خیانت به اسلام و انقلاب محکوم شده است چیست؟

۲- وجه این که ایشان پیشقدم در طرح مسئله

همچنین خواهان رشدندگی اقدامات عاجل بسرای معالجه و درمان پناهنده مزبور از طرف سازمان ملل صورت گیرد و اجباری بودن شرکت در کلاسهای سازمان ملل و تجمع پناهندگان در یکجا با توجه به نبودن پلیس محافظان و در مقابل دفاعات نیروی شعیات نما پناهندگی سازمان ملل پلیس بسرای حفاظت از جان پناهندگان گمارده شود. این چندمین حمله‌ی تروریستی به جان پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی پاکستان توسط رژیم است و تا بحال به ریختن خون شهدا در پیاده‌ای از

نود و بدعوت کمیته برگزاری برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی مترقی آلمانی از جمله حزب کمونیست آلمان و حزب سبزها به حمایت از خارجیان و پناهندگان در مراسم شرکت کرده و نما پناهندگان رسمی خود را فرستاده بودند. شرکت‌کنندگان که در حدود ۳۰۰ نفر میشدند، با رقص و پایکوبی، خواندن متنهای انشاکوارانه فرهنگ و هنر خود در تقویت همبستگی بین‌المللی مظلومین گوشیدند. برنامدهای جشنی را این قرار بود:

۱- مقررات بیانه به زبان آلمانی و فارسی بمنا سبت روز پناهنده، ۲- رقص و آواز ز کردی، سوم- سیقی و آواز ترکی، فارسی، ۳- غذا های ایرانی ۴- قرائت پیام همبستگی احزاب و جریان‌های مترقی آلمانی ۵- قرائت قطعات شعر و طرح خوانده‌های پناهندگان که بقرآن زیر بود:

۱- قطع رابطه دولت آلمان با جمهوری اسلام ۲- مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی ۳- رسیدگی فوری به وضعیت متقاضیان پناهندگی خصوصاً آنها یی که در مناطجها اول هنوز به عنوان پناهنده شناخته نشده‌اند. ۴- برخورداری کامل از حقوق اجتماعی مانند (حق کار، تحصیل، داشتن مسکن مناسب، آزادی مسافرت بدون کسب اجازه مخصوص از پلیس و بویژه حق رای برای خارجیان از بدو ورود به آلمان فدرال.

در این قطعات همه را دیگر پناهندگان به اتحاد و همبستگی برای مبارزه در راه کسب حقوق خویش دعوت شدند.

عفو شده‌اند چیست؟

۳- چون این ملاقات با سیاسی داشته است آیا با قوه مجریه هماهنگ شده بود یا خبر؟

آنها زیرکانه در بند سوم با طرح سؤال در جریان بودن یا نبودن قوه مجریه یعنی جناب رئیس جمهور رفسنجانی، تصادف‌های او را در بند میداند و همه چیز زیر نظر او متحدش خا منهای پیش‌برده میشود اما رفسنجانی زیرک تر از آن است که خود دم به تله دهد، در چند ماه گذشته او همه اقدامات رسوا برای هموار کردن راه ارتباط با غرب توسط مقامات درجه دوم و سوم پیش‌برده است تا خود را مظلومان اتهام دوربماند، با گسترش فشار و حذف حزب الله، مقام و متضد حمله و نیز سنگین تر شده و خرابی سازی هنوز در گل مانده، آیا فتوای تازه "یت‌الله" خا منهای به تقلید زخمینی، مبنی بر واجب شرعی دانستن حمایت از مسئولین و مقامات کشور، گرهی از کار نخواهد گشود؟

آوارگان منجر گردیده است. شرکت‌کنندگان در مظاهرات با شعار "سرتگون با رژیم ارتجاعی ایران زنده باد" اتحادیه همبستگی پناهندگان و آوارگان را سرچنان به حرکت خود خا تعدا دهند رفقای هوادار سازمان در کراچی فعالانسه در این حرکت و در حمایت از آن شرکت کرده و همراه فعالین هسته اقلیت و هواداران جریکهای فدائی خلق در کراچی و برخی از عناصر مترقی سیاسی اعلامیه مشترکی در انقشای این حمایت و در حمایت از حرکت‌های اعتراضی منتشر کردند.

درباره "فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی"

حزب کمونیست کومه له از کجای چه میفهمید؟

اخیراً تشکیلی به نام "فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی" اعلام موجودیت نموده است که بر مبنای اسناد اولیه تاسیس آن، متعلق به حزب کمونیست کومه له، اما با ظاهری مستقل و دموکراتیک است. تشکیلی که به خود اجازه نمایندگی پناهندگان ایرانی را داده است و خود را به این عنوان اینچنین و آنچنین معرفی نموده علیرغم بی خبری توده پناهندگان و بی تفاوتی آنها در قبال قیم مزبور. فعالیت خود را شروع کرده است. ما در نوشته حاضر به نقد فدراسیون مزبور که تجسم گویای شیوه فدموکراتیک و قیم مابانه کومه له در رویکرد به کارهای دموکراتیک است می پردازیم.

بدون انکسار از اهداف و مقررات کلی "آن جهت آشنائی ذکر می کنیم؛ در سندها اهداف و مقررات کلی "آنها از مبارزه برای خواسته های صنفی، تسهیل امر پناهندگی، ایجاد تسهیلات فرهنگی و اجتماعی، آشنا کردن افکار عمومی با اوضاع ایران و حمایت از پناهندگان، سخنگویی از جانب پناهندگان ایرانی و همبستگی با مبارزات کارگری سخن گفته اند. علاوه بر آن عضویت افراد صرف نظر از ملیت، مذهب و عقیده (جز کسانی که اساساً ارگانهای سرکوب دوزیم همکاری نموده اند) آزاد اعلام شده و بر تعهد "در قبال تقویت مبارزات کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" تاکید شده و به احزاب و سازمانهای سیاسی که از مرام "کارگری و سوسیالیستی" پیروی می کنند اجازه داده شده در دوران شوراها تحت نام خود فعالیت کنند و فعالیت احزاب و گروههای حاکمی دوزیم تحت نام خود، در این شوراها منع شده است. مجموعه اسناد منتشره توسط هیئت موسس که از جمله فعالین

حزب کمونیست کومه له و یا عناصر پیرامونی این حزب هستند تهیه و بنا به گفته خودشان بعد از توافق این عده بر سر آنها، اعلام گردیده اند.

با آوری یک سیاست، یک کارنامه

نقد ما بر فدراسیون مزبور، ناگزیراً از یادآوری یک کارنامه، کارنامه سیاست حزب کمونیست در قبال تشکیلهای دموکراتیک آغاز میشود زیرا بدون چنین کاری نمی توان به درستی درباره اهداف واقعی تشکیلی فدراسیون مزبور سخن گفت. سیاست تاکنونی حزب مزبور در قبال تشکیلهای دموکراتیک را می توان در چند محور خلاصه نمود: مخالفت با غیرایدئولوژیک بودن تشکیلهای توده ای و دموکراتیک، مخالفت با تشکیلهای توده ای مستقل که خارج از کنترل آنها بوده و سیاست فعال در خرابکاری و تباختن تشکیلهای دموکراتیک از طریق دادن زدن به دعاوهای فرقه ای، در کنار سیاست مزبور هر جا که امکان داشته است، سیاست ایجاد تشکیلهای دست نشانده چه بسا همگاری با گرایشها مشابه و چه اساساً دنبال شده است.

حزب کمونیست کومه له در خارج از کشور همواره مخالف غیرایدئولوژیک بودن تشکیلهای توده ای بوده است. این حزب مدافع پیگیر آن نوع تشکیلی بوده که این یا آن فرد را به دلیل داشتن یک گرایش ایدئولوژیک معین از عضویت محروم می کرد. اکنون سیاست مزبور سبب شکست عملی و نیز اجبار به دمکراتیک و انود کردن فدراسیون دست ساز، تا حدی تعدیل شده است اما جوهر فدموکراتیک آن همچنان با برجاست به این دلیل که اکنون همسره بنا هندگان می باید بر یک "فدراسیون چپ" جمع شوند و اگر هم نشوند

بقیه در صفحه ۶

تحصن و با یکوت غذا در دبستان هوفن با یرن

همانطوریکه در بیام کارگر شما ره قبل ... اطلاع خوانندگان رسانندیم، در شهر دبستان هوفن آلمان فدرال که در ۳۰ کیلومتری شهر بزرگ نورنبرگ از ایالت با یرن قرار دارد، پناهندگان ایرانی همراه با پناهندگان ترک، کرد، سریلانکا و عرب در یک مکان بسیار محدود ساکن هستند با اکثریت پناهندگان حتی در دهکده دوم جواب قبولی نگرفته اند و در وضعیت بسیار نا مناسبی بسر میبرند. غذا را بصورت جیره دریافت می کنند و لباس را بوسیله کوپن تهیه میکنند، و از این رودر طول اقامت بلند مدت خود در آنجا تنها از حق مسافرت، درمان مناسب، مدرسه و کلاس زبان مناسب برخوردار نیستند، بلکه نمیتوانند یک وعده غذای دلخواه و مورد پسند خود را داشته باشند و لباس مورد دلخواه خود را انتخاب نمایند. اغلب پناهندگان تجارب بسیار تلخی از کوپن لباس و تحقیرهای وارده از آن طریق دارند. از اینرو پناهندگان ایرانی ساکن این ها نیم پس از عدم دریافت جواب و عکس العمل نسبت به نامه سرگشته شدن به دولت محلی در تاریخ ۸/۱۶/۸۹، نامه دوم را تا تاریخ ۸/۲۹/۸۹ به همان دولت نوشته و همزمان به تحصن و با یکوت غذا می رسد.

پناهندگان سایر ملیت ها از جمله سریلانکا ... شی ها از حرکت پناهندگان ایرانی حمایت کرده

و همان خواسته ها را طرح کردند. ۷۰۰ نفر از پناهندگان کرد در ترکیه. ضمن حمایت در حرکت شرکت کرده و از فرستادن بچه های خود به مدرسه خودداری کردند، تا آنها لی مقیم محل را به این طریق از اعتراض خود مطلع گردانند. تحصن به کمک حزب سبزها در شهر آسناخ بمدت دو هفته در خیابان پررفت و آمد شهر داده می افتد و در طی حرکت خواست پناهندگان و وضعیت غیر انسانی، سرکوب، شکنجه در ایران طرح گردید. تحصن روز جمعه ۸۹/۱۰/۱۳ خاتمه یافته اما با یکوت غذائی ادا نمیدارد. پناهندگان ها بیکه از گرفتن بسته های غذا خودداری میکنند در وضعیت بسیار بد مالی و غذائی قرار گرفته اند، علیرغم حمایت برخی از جریانات شرقی سیاسی محلی از جمله سبزها و ... از خواست پناهندگان، هنوز از طرف دولت محلی پاسخی دریافت نشده است. ما همه پناهندگان و تشکیلهای گوناگونی پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال را جهت همبستگی و کمک به پناهندگان دبستان هوفن فرا میخوانیم.

تجدید فعالیت انجمن پناهندگان مقیم اشتوتگارت

انتقال برخی از فعالین آنرا از اشتوتگارت و برخی مسائل و اختلافات اساسی در دچا رکب بود در فعالیت گردیده بود، با تمویب منشور اساسی نامه جدید دوره دیگری از فعالیت خود را آغاز کرد. هدف اطلاعات را با سامه قبلی کا تون فراهم کردن زمینه شرکت و فعالیت همه طرفداران حقوق دمکراتیک مردم ایران، حقوق خلقها، برای برابری حقوق زنان، اقلیتهای مذهبی و مدافعین آزادی بیان و عقیده در ایران بوده است. انجمن فوق وظایف خود را بر تریب زبردت اساسی تعریف کرده است:

۱- سازماندهی اقشار پناهندگان حول خواسته های صنفی - سیاسی فرهنگی و تلاش در جهت رفع مشکلات و ایجاد تسهیلات رفاهی برای ایشان ۲- تلاش در جهت جلب حمایت افکار عمومی جهان، سازمانهای بیطرف بین المللی احزاب و سازمانهای دمکراتیک، شخصیتهای مترقی در مسورد پناهندگان ۳- افشای همه جانبه و اعمال فشار علیه رژیم جمهوری اسلامی ۴- دفاع و پشتیبانی از زندانیان سیاسی، حقوق خلقها، برای برابری حقوق دمکراتیک زنان، حقوق اقلیتهای مذهبی، دفاع از آزادی بیان و عقیده و کوشش در جهت دفاع از صلح با پادشاه - این انجمن به هیچ حزب و گروه و یا سازمان خاص وابسته نیست و هیچ فردی حق هیچگونه تبلیغات له و یا علیه هیچ جریانی سیاسی را در محل انجمن ندارد و انجمن موظف است بمحض مشاهده عواملی که اهداف فدموکراتیک و فرصت طلبانه را در پیش دارند از جمع عمومی بخوابد تا این اشخاص را از انجمن اخراج نماید.

انجمن پناهندگان ایرانی مقیم اشتوتگارت که در سالهای اخیر یکی از گوناگونی پرتحرک پناهندگی در آلمان بویژه در جنوب این کشور و از شرکت کنندگان در سمینار پناهندگی گوناگونی درها و نوردها میوزیک بود و در یکسال گذشته بدلیل

مجمع تشخیص صلاحیت دار با ردیگر تشکیل شد

مجمع تشخیص صلاحیت نظام که به دستور خمینی و برای گریز از برخی از تناقضات و حل مشکلات رژیم در میان ارگانهای متضاد ایجاد شده بود، قبل از مرگ خمینی با اعتراض نمایندگان مجلس بحالت تعلیق درآمد. اما با زبینی قانون اساسی اسلامی این نهاد قانونیت پیدا کرد. خاتمه ای ۱۳ مهر ماه دستور تشکیل دوباره مجمع تشخیص صلاحیت را به رفسنجانی ابلاغ کرد. و افراد زیر را به مدت سه سال به عضویت آن درآورد، فقهای شورای نگهبان، روسای سه قوه، وزیر مربوطه، رئیس کمیسیون مربوطه در مجلس، مهدوی کنی، یوسف ماضی، احمد خمینی، موسوی خوشینی ها، موحدی کرمانی، حسن ماضی، محمد رضا توسلی، عبداللہ ثوری، میرحسین موسوی، ریاست این مجمع و اداره آن برعهده رفسنجانی خواهد بود. با ندخا منهای، رفسنجانی با ایجاد این مجمع در واقع ارگانی بر فراز ارگان های دیگر، مثل مجلس، قوه قضائیه و شورای نگهبان ایجاد کرده اند، تا از این طریق برنامه های خود را پیش ببرند.

ادعاهای باور کردنی؟

آقای حمیدزاده معاون رئیس جمهوری در امور اجرائی و رئیس ستاد بازاری و توسعه کشوری مناسبت چهارمین روز از هفته جنگ ارتجاعی اعلام کرده که بازاری کلیه شهرهای جنگ زده تا سال ۷۰ (یعنی دو سال دیگر) به پایان خواهد رسید، البته وی گفت که بازاری ۴۴ شهر از ۶۵ شهر آسیب دیده در طی سال جاری به پایان رسیده است و بازاری ۱۱ شهر باقی مانده یعنی خرمشهر، آبادان، بستان، مهران، دهلران، مریوان، قصر شیرین، گیلان غرب، موسیان، نوسودوسومار تا پایان سال ۱۳۷۰ انجام خواهد شد.

با توجه به لیست شهرهای فوق که آقای حمیدزاده قول بازاری آنها را در دو سال آینده داده معلوم نیست که چگونه ایشان و دولت متبوعش در یکسال گذشته ۵۴ شهر را بازاری کرده اند، شاید منظور ایشان شهرهای استان خراسان، مازندران، گیلان، مازندران و غیره است.

طرح ادغام نیروهای انتظامی

حجت الاسلام منتجب نیا نماینده خاتمه ای و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی در شهرهای در گفتگویی خبرنگاران اعلام کرده که بزودی لایحه طرح ادغام نیروهای شهری، کمیته وزاندارمری به مجلس برای تصویب داده خواهد شد. وی گفت که نمایندگان مجلس و دولت درصددند که هر چه زودتر این نیروها ادغام شده و تحت یک لباس متحدالشکل با عنوان پلیس انقلاب خدمت شما بیند.

رفسنجانی: دعوت از متخصصین ایرانی مقیم خارج

رفسنجانی در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید که در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار گردید، ضمن تاکید بر رسالت دانشگاهها در مرحله جدید از متخصصین ایرانی مقیم خارج برای همکاری با دانشگاههای کشور دعوت کرد. وی گفت: "ما باید در مرحله کنونی کشور را زیر و رو کنیم، متخصصی استفاده کنیم، هر چند شرایط گزینش های ما را در حد عالی نداشته باشند." در همین رابطه روزنامه پرتیراژ "فرانکفوتر

آلگمانیه" منتشره در آلمان فدرال، طی مقاله ای با اشاره به حرفهای رفسنجانی مطرح کرده است که از تابستان امسال تاکنون در ایران در مورد بازاری فقط حرف زده میشود. این روزنامه با توجه به مهاجرت و فرار تا ۴ میلیون ایرانی که در میان آنها صدها هزار متخصص نیز وجود دارند اظهارات رفسنجانی را قابل فهم شمرده اما با زکشت عده زیادی از آنها را بنا به دعوت رفسنجانی بعید دانسته است.

مشکل گمرک فرودگاه را ضدا انقلاب بوجود میآورد

■ ایجاد کانال سبز و قمر زدر گمرک فرودگاه مهرآباد
 ■ ۵ هزار تومان از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.
 رفسنجانی در گزارش خود بعنوان رئیس جمهوری در نماز جمعه ادعا کرد که پس از تحقیق دقیق در گمرک فرودگاه معلوم شد که مردم برای ورود و خروج مشکل دارند. این مشکل را فقط "ضدا انقلاب" بوجود میآورد و دولت با این معضله

مقابله جدی خواهد کرد. محمدخان رئیس کل گمرک نیز ضمن اعلام این مطلب که رئیس جمعهوری دست داده است طرح و چراغ قرمز و سبز در گمرک فرودگاه ایجاد گردد، اضافه کرد که مسافری در هوا بیما اظهارنامه های گمرکی تنظیم خواهند کرد و تا ۵ هزار تومان از گمرک معاف و بیش از آن تا ۱۰ هزار تومان گمرک خواهد برداخت. وی ادعا کرد که در گمرک با دستگای پیچیده ای از ورود و خروج کالا های تجملی و ممنوع جلوگیری خواهد کرد.

۱۲ درصد از سهم بازاری به ایتالیا رسید

روبرتوروسی معاون وزیر تجارت خارجی ایتالیا در گفتگویی در تهران با خبرگزاری ایتالیا اظهار داشت که مجلس ایران تا پایان سال جاری شمی بودجه برتا مه پنج ساله اقتصادی کشور را که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار است تصویب خواهد کرد. وی پیش بینی کرد که از این رقم ۱۲ درصد بصورت بیرونی به ایتالیا و همین رقم بقیه را بین واگذار خواهد کرد. وی گفت ایران ۵۰ درصد از بردها و خشیهای خود را بصورت ارزی و بقدر امکان از درآمدهای نفتی و معادن، خصوصاً مس، سرب و

قنق تا همین خواهد کرد. همزمان شرکت ایتالیا شمی با عنوان علام کرد تا پایان سال جاری میلادی قطعات تا کل ۹۰ هزار دستگاه موتورسیکلت سازی را به ایران ما در خواهد کرد. شرکت مزبور همچنان اعلام کرده در صدها خت موتورسیکلت های اختصاصی برای بازار ایران به نام "جبلر ۱۲۵" است. موفقیت مرتجعین حاکم در گسترش حراج منابع طبیعی و معدنی و غارت کیسه زحمتگان کشور تحت نام و شعا بازاری قابل شوجه است!

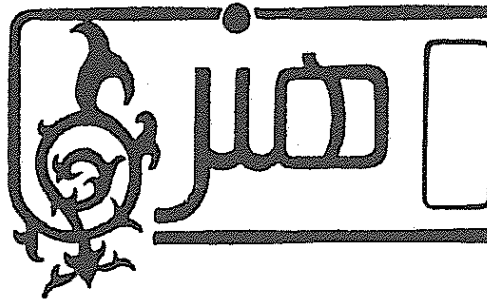
جدول خاموشی احتمالی برق در هفته آینده اعلام شد

روز	۱۳-۱۲	۱۴-۱۲	۱۵-۱۲	۱۶-۱۲	۱۷-۱۲	۱۸-۱۲	۱۹-۱۲	۲۰-۱۲
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۲	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۴	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۵	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۶	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۷	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۸	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۹	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۰	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۲	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹

خاموشی دوره ای بعنوان یکی از اجزای زندگی روزمره مردم ما در آمده، شاید برای مردمی که سالهاست با این پدیده زندگی میکنند چندان غیر عادی نیز جلوه نکنند چرا که عادت کرده اند با سختیهای بیشتر از این هم بسازند، اما میتوانند تصور کنند در کشورهای پیشرفته با این وضع چه عکس العملی نشان میدهند؟ راستی چه احساسی نسبت به زندگی هم وطنانمان در داخل کشور داریم؟

سرویس اقتصادی به برنامه خاموشی شرکت های برق منطقه ای تهران و اصفهان در هفته آینده بر مبنای ساعت در شبانه روز اعلام شده. لازمه توضیح است: اعداد داخل جدول، گروههای شش گانه خاموشی هستند که در صورت کمبود تولید در شبکه سراسری، طبق برنامه خاموشی خواهند داشت.

معرفی و نقد کتاب



ثبت شا دترین و غمبارترین لحظه های زندگی

در کارهای داریوش کارگر

مجموعه داستان "آوازنان" مشتمل بر هفت داستان است: "زغال"، "برنج"، "دکمه فشاری"، "دفتر"، "سیب"، "تشیب"، "نفسه"، نوشته داریوش کارگر بدستما رسید. پیش از صفحه فهرست داستانها داریوش کارگر نوشته است: "به غیر از اسمی، کلیه شخصیتها و حوادث داستانها بین مجموعه واقعی هستند و هرگونه عدم شباهت احتمالی بین آنها با آدمها و حوادث غیر واقعی، بکلی تصادفی است!"

این تذکر غیر متعارف و غیر معمول در ابتدای کتاب خواننده را با کنجکاو و بیشتری به درون داستانها می کشد و آنچه می بیند، از همان ابتدا، به حیرتش و امیدارد. آدمها همچون فضای داستانها و همچون حوادثی که در متن داستانها رخ می دهد و واکنش آدمها در قبال آنها، چندان واقعی اند که همچون تازیا نه برگونه های خواننده فرود می آیند و هر چیزی را - جز فضای داستانها - به پشت برده های پسین ذهن می برند. آدمهای مجموعه داستان "آوازنان"، همه لگد کوب شدگان هستند که زلالی عشق و شادی های بزرگ زندگی شان که در کوچکترین نگاهها و کلمات می شکند، حقیقت است و جدال رنجبارشان در تالاب زندگی اجتماعی با آنچه هست، یک واقعیت است و واقعیتی که از پدر، فرزند را قربانی می کند؛ شریف ترین انسانها را به التماس ناگزیر در جره های تاجران دم کلفت با زان می کشند؛ کارگر چا پخا نه را بخاطر برداشتن چند برگ کاغذ زده بیرون برای دفتر مشق دخترش، اخراج می کند؛ پسر بچه ای که آب به سبب زنده را بعد از زدن چند سیب، همد ف گلوله ای بسیجی قرار می دهد؛ کارگر خراجی را که به تشیب و بند تشیب فروشی رو آورده، به جرم سبب معبر به زیر مشق و لگد با سدا را می اندازد و دست آخر به گلوله ای به عصیان انفجار ریاض برابسر "حافظان نظم" پایان می دهد؛ با آب پاشی که از آب گل آلود جوی، بر آب شده، گل سرما بهی دست فروش را همچون فشفشه ای می خساند و نودا بود می کند؛ و همه برای آنکه جستجوی نان برای این مردم در درازمین بگرده ما، بی نتیجه است و تنها آوازنان، آواز آن می ماند که گاه تصور حضورش در سفره های خالی، زلال ترین لحظه های شاد در زندگی

آدمها می فریند و گاه واقعیت عیب بودن رویایش غمبارترین لحظه های جنون آوران را نقش می زند.

و این در زبان محکم، تراش خورده و جافتاده داریوش کارگر، به صمیمی ترین شیوه موج می زند. داریوش کارگر در این قصه ها، خود، گویی آوازنان را می سراید؛ اندوه نداشتن را و شادی به کف آورده اش را. وجه زیبا و دلنشین می سراید، به یکی از هفت داستان این مجموعه نگاه کنیم - گوشه های "آوازنان" را بشنویم: نخستین داستان، "ذغال". شروع داستان اینگونه است: "تا شب عید چا رما ه کرا به خونه داریم، چا رتا شمشاد تو من میشه به عیارت دوهزار و چا رت تو من... چا رتا..."

زن، چشم دوخته به دهن مردش لب چنانند: "چا رتا می روز میشه صد و بیست و روز، چا رتا صد و بیست تا نون می خوریم..."

مرد، دلخور از سردرگمی حسابها، سر بلند کرد و تسوی صورت زن براق شد:

خواست کجا بس زن؟ مگر سر کنج خوا بیدیم که لسواش بخوریم؟ سنگ می خوریم. آدم با سنگ زود تر سیر می شد، تازه، سنگ به خوبی داره که دل درد نمی آره"

این تصویری است که از گفتگوی مرد و همسرش در باره ی وضع زندگی این خانواده در همان سطرهای نخست داستان می فهمیم. مرد، بیگنا راست و دربی یافتن مرد در آمدی. وزن، تنها غمخوارش، که گاه با فروش کوبش از چیزهای لازم تر را فراهم می کند. تمام فضای زندگی آنها، یافتن راهی است برای آوردن نان به سفره ی خالی.

سرانجام قرار می شود که مرد دنبال چند گوره سدا برود و زانها ذغال بگیرد برای فروش. مسرد اما دست تنهاست، دوپسرش در جیبها اند. پسر خردسالش، تنها کسی است که مرد ب فکر کمک گرفتن از او می افتد. و وقتی هردوبه این نتیجه می رسند که اگر بشود ذغال تهیه کرد، هم می توان بسوسول فروش را به زخمی زد و هم جبران بی نفی را کرد، و نیز هردوبه کمک گرفتن از پسر خردسالشان در این کار، گردن می بینند، بیسی وقتی مسرد می بیند که گویا احتمال گشایش روزنی در زندگی شان هست، جشن می گیرند، و چه با شکوه:

"شادی کوچکی که در چشمان ز برق می انداخته صورتش را گل انداخته بود و تکه های از جوانی اش را، که لابلای جروکیای پستان و زیر چشمها، و بین شک و توک تا، های سفید موهاش گم شده بود، تسوی تبسم و منعکس میکرد.

- امروز وقتی بنجا ه تو من ها چراخا نو می سی می دادیم پیش گفتم به قوطی، همه اش انداز می هفت هشت تا سیگار، از توتون شوهرش بیمن قرضیده... اونم نگفت نه!

آتش نگاه زن در تن مرد گرما دواند، گونه های داغ شد، دستش را جلوی او را مآر موبنا حتی ط بسته را از دست زن گرفت، نگاه بی چشمان او انداخت و لب چنانند: اما صدایش در دنیا مد، تبسم زن با زتر شد و گفت:

- به دونه بیج! خستگیتو در می کنه...

مرد در لای پاکت را که چند دور تا خورده بود با زکود دوباره نگاهش روی زن لغزید. تبسم غلیظی لبهاش را رنگ زد و خستگی از تنش رها نه..."

این جشن و این شادی و عشق زلال اما دینی نمی یابد مرد به این فکر است که تنها فرزند کوچکش را در گونی ذغال جا دهد تا گونی، هنگام فروش چند کیلو سنگین تر شود. تصویری که داریوش کارگر هنگام جا دادن پسر بچه در گونی ذغال بتوسط پدرش بدست می دهد و گفتگوش ایندو با هم، چندان طبیعی است و دانسته و در عین حال وحشتناک است که پنجه های آهنین و زهرناک واقعیت زندگی اکثریت جا معی ما را بر قلب و ذهن خواننده بپرچمانه می کشد. پسر بچه در گونی ذغال قرار می گیرد؛ گونی در بازار وزن می شود و پولش را بدست مرد می دهند. نیمه شب، پدر در انبار ذغال می گردد تا فرزندش را بباید و زگونی ذغال، بیرونش کشد، دستش در تاریکی به گونی ها می خورد ذغال ها سرریز می کنند بر کف انبار و فرزند سیاه شده اش بیرون می افتد.

حادثه ای رخ داده و روند داستان نوقتی با زبان و فضا سازی داریوش کارگر به همدرمی می رسد، کلیتی می سازد که هر خواننده ای را سی تردید اسپر خود می کند. داریوش... در این مجموعه داستان نشان داده که در انتخاب موضوع، سبب کجراه نمی رود و شناختن از میرم ترین جزئی... ترین زوایای روح آنچه می پردازد، چندان است که به طبیعی ترین و واقعی ترین شکلی می تواند موضوع انتخاب شده را بگونه ای داستانی زیبا و شیوا بیورد. زبان بخته و جافتاده ای او نیز یاری می کند تا اثری کم نظیر در این نطله از داستان نویسی معاصر ایران بیافریند.

اگرچه وجود رژیم سیاه اسلامی، همسسه ارزشهای فرهنگی و ادبی ما را از گونه کرده و به آن رنگی دیگر زده است، اما آثار کسانی چون داریوش کارگر، قطعا در زیر بار و پشت به نمی ماند و نقش واقعی آنان در ادبیات امروز ایران مورد ستایش همه ی روشنفکران، کاتبان و دوستداران ترقی و پیشرفت فرهنگ و هنر ایران است.

درباره "فدراسیون" . . .

ادامه از صفحه ۳

فدراسیون مذهب را نام آنها سخن خواهد گفت. ملاحظه می کنیم که اصل دعوی ما در این مورد با حزب کمونیست بر سر جای خود باقی است. این حزب در گذشته به بهانه مخالفت با این آآن حزب و گروه سیاسی، عضویت در تشکلهای پناهندگی را در عمل برای توده پناهندگان منع می کرد زیرا آنها مجبور به پذیرش یک اظهار نظر سیاسی و ایدئولوژیک معین در اساسنامه می شدند و اکنون کمی تخفیف داده پناهندگانی را که پلاتفرم "چپ" فدراسیون مزبور را بپذیرند به عضویت دعوت می شوند. این که پناهندگان در عین داشتن نظرات سیاسی و ایدئولوژیک مختلف، یعنی از جمله نظرات غیر "چپ"، حق دارند و بایده متشکل شوند، کماکان مورد پذیرش حزب مزبور نیست.

و اما مخالفت جریان مزبور با هر گونه شکل مستقل توده ای تا آنجا پیش رفته است که چنین تشکلهائی در خارج از کشور آماج اصلی فعالیت خرابکارانه حزب بوده اند. فی المثل در آلمان فدرال، به دلیل فرقه گراشی و عدم توجه به خواست و منافع عمومی پناهندگان، در تشکلهای دموکراتیک انشعاب ایجاد شده و حزب مزبور در آخرین سمینار این تشکلهای هامبورگ، اتحاد آنها را مثلاً نمی نمودا بلکه این سیاست مضمون اصلی فعالیت دمکراتیک حزب مزبور را تشکیل می داده است با مجموعه قابل ملاحظه ای از فاکتورها و شواهد قابل اثبات است و فعالیت تشکلهای دموکراتیک در کشورهای مختلف، خرابکاریهای جریان مزبور را در دو وجه عمده به خوبی حین کرده اند: تلاش برای وابسته نمودن ویانا بودی تشکلهای

هدف از یادآوری فوق آن است که وقتی به بررسی اسناد فدراسیون پناهندگان می پردازیم، خوانندگان ما می باید با حضور ذهن و شناخت سیمای ویرایش فدموکراتیک حزب کمونیست در گذشته و به ویژه مدمات بزرگسی که خرابکاریهای حزب بر فعالیت دموکراتیک خارج از کشور زده است، به داوری پرداخته و در مورد راهودها با بدشمن ناگهانی گریه هوشیار باشند.

به این سؤال چگونه پاسخ می دهیم "می پرسید چه کنیم؟" باین سؤال است که گردانندگان فدراسیون پناهندگان ایرانی، به فاجعه ترور رفیق کتاروز بر خورد می کنند. "می گوئیم متشکل شویم!" شوراها بیتان را برپا کنید!، تنها نیروی متشکل ما توان مقابله را دارد" پاسخ آنهاست. این پاسخ اما آنچیزی نیست که آنها خود به آن باور داشته و عمل کنند، به کدام دلائل؟

الف: نحوه تشکیل فدراسیون مزبور، با روح پاسخ مزبور در تناقض قرار دارد زیرا، اگر در واقع هیئت موسس فدراسیون به پاسخهای شمارگروه خود اعتقاد داشته می بایست این اعتقاد را در نقد مریح و علنی سیاست فرقه گرایانه حزب خود در قبال تشکلهای دموکراتیک و در برابری کاملاً متعاقب و به اثبات می رساند. ما تاکنون به جز شعارهای وحدت طلبانه - وعوام فریبانه - هیچ نقدی در قبال فرقه گرایان بپولیتسی از سوی آنها ندیده ایم، برعکس اسناد منتشره شده توسط آنها نشان می دهد که به جز چند املاح جزئی، بنیان فرقه گراشی مورد تردید و طرفدار نگرفته است در مورد برابری تا کنونی هیئت موسس، اظهار نظر گروهی از پناهندگان در سوئد نسبتاً گویاست.

" با حزب کمونیست مفاهیم شورا، دموکراسی و آکسیونهای توده ای را که وظیفه ما در مستقیم و بلاواسطه توده ها است با اقدامات متعصبانه و تک روییهای مقامات رهبری " به اغتشاش کشانده است. "هیئت موسس" با تصویب و انتشار راهداف و مقررات کلی فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی که بخش مهمی از آن بر طبق موازین و سیاستهای درونی خود حزب و بسودن شرکت توده های پناهنده و افراد مستقل و غیر مشعبد به حزب تدوین گردیده و همچنین انتشار نشریه همبستگی یعنی ارگان هیئت موسس، در تحقیق و دوسوم کار فدراسیون شوراها ی بدون توده ها را به پایان رسانده است. " حالامی توان پرسید که مضمون این پیام، فراخوانها و نامه های "هیئت موسس" به این خیل وسیع جریانات سیاسی و پناهندگان سیاسی چیست؟ آیا مضمون این است که بیا تئید همگی با هم شوراها ی واقعی

پناهندگان ایرانی در خارج را توسط خود این آوارگان و تحت نظارت مستقیم شان برپا سازیم؟ متأسفانه چنین نیست. "هیئت" بطور صریح از این مخاطبین می خواهد که با "مدور بیانیته علنی و کتبی از ما پشتیبانی کنید. فعالیتی را از خود به هیئت ما بفرستید و نشریه "همبستگی" ما را توزیع کنید. "هیئت" بطور صریح قبول و پذیرش " اصول و مقررات کلی اتحاد شوراها (پدیده ای که هنوز وجود خارجی ندارد!) را شرط لازم پیوستن شوراها ی شهری و کشوری پناهندگان به "هیئت موسس" می داند.

(از اعلامیه عده ای از پناهندگان ایرانی در استکهلم ۸/۱۱/۴۸)

آری "متأسفانه چنین نیست!" پناهندگان ایرانی و دهها تشکل فعال و نیمه فعال پناهندگان یک روز متوجه می شوند که روی کاغذ بصورت سراسری شورا دارند، شوراها ی کشورهای فدراسیون با نشریه و مقررات و دفتر دستک و هیئت موسس ناگهان ایجاد شده، با بزرگاری به آنها پیام می دهد که: "می گوئیم متشکل شویم!" برای احزاب و سازمانها و به مناسبتاً مختلف اعلامیه می دهد و دعوت می کند و با مصالح دل می سوزاند، از پناهندگان در قبال " مبارزات کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" تعهد می گیرد، و حتی به احزاب چپ و سوسیالیست اجازه می دهد که تحت نام خود درون شوراها فعالیت کنند و همه این زحمتها ظناً فرمایند آنها به خاطر " همکاری" است: آنچه که امروز مهم است توافق بر سر واقعی بودن مشکلات صنفی و سیاسی پناهندگان، زمینه واقفای مبارزاتی، اساس شورائی شکل سازمانی و توافق برای پیشبرد مبارزه در این جهت است (از پیام، تشکلهای دمکراتیک). آیا در پشت جلات فوق، درک معین از واقعی بودن مشکلات صنفی و سیاسی پناهندگان، جایگاه زمینه واقفای مبارزات آنها و در نتیجه نحوه سازمانی آنها وجود ندارد؟ آیا واقعا بر سر مسائل مزبور توافق عمومی وجود دارد؟ آیا همه پناهندگان در سراسر " واقعی" بودن مشکلات خود یک نظر دارند؟ بی دعوی قدیمی در مورد کار صنفی و سیاسی و نحوه تنظیم رابطه آنها در کار دموکراتیک بر سر هیچ و بواج بوده است؟ مگر در عین واقعی بودن مشکلات پناهندگان، شما به خاطر حضور این ویانا فرد توده ای و غیره از آنها انشعاب نکردید؟ مگر این اقدام و اقدامات مشابه شما و سایر گروهها، و از جمله ایجاد تشکلهای دست ساز و وابسته، به دلیل درک متفاوت از زمینه واقفای مبارزاتی جنبش پناهندگان نیست؟ آیا شما نمی دانید که عده ای رابطه این جنبش را با جنبش کارگری به نحوی که شما تعریف می کنید نمی دانند؟ آیا شما نمی دانید که ایده تشکل دموکراتیک "چپ" مختص شماست؟ می توان سئوال فوق را ادامه داد، حتی می توان سئوال کرد که آیا واقعا "هیئت موسس" از چند وجوه اختلافات نظری بی اطلاع است و یا می خواهد این اختلافات را با تعارف و شعار، کم اهمیت نشان دهد؟ آنچه که قطعی است این است: پاسخ هیئت موسس به سؤال "می پرسید چه کنیم؟"، متشکل شوید! نیست، بلکه این است: در شورائی که برایتان ساخته ایم جمع شوید و در مورد مسائل جزئی هم بحث نکنید! آنها در حالیکه تشکلهای چندی از پناهندگان فعالند و در حالیکه تعداد زیادی از فعالین جنبش پناهندگی که به احزاب وابستگی ندارند و حامل تجارب فراوانی در این زمینه هستند وجود دارند و فعالیت می کنند، بجای فعال کردن راهیابی مشترک با تفاق آنها و فراهم کردن زمینه سراسری شدن، خود را با و در حکم یک قیم خیرخواه اقدام به صدور فرمان سراسری شدن تشکلهای و برپائی آن کرده اند و همه این فعالین را به پیروی از خود خوانده اند!

ب: مبنای تشکل یابی پناهندگان بر اساس آنچه که هیئت موسس ذکر کرده است، به ایجاد تشکل و با مصالح شورای پناهندگان منجر نخواهد شد. اگر ما رابطه ناگزیری که بین نحوه ایجاد فدراسیون و سیاست ناظر بر سازمانی پناهندگان آنطور که فدراسیون مزبور می فهمد را نادیده بگیریم و فرض کنیم حزب کمونیست بطور جدی به تغییر سیاست خود پرداخته و واقعاً خواهان ایجاد تشکلی توده ای بشیوه ای دموکراتیک است آنگاه بررسی پلاتفرم حزب مزبور، تردیدهائی جدی درباره ممکن بودن سازمانیابی توده پناهندگان بر اساس چنین پلاتفرمی را ایجاد می کند:

۱- بالاخره عضویت صرف نظر از ملیت، مذهب، عقیده و مرام سیاسی

اما آنچه که مسئله اصلی است قاطی شدن یک تشکل دمکراتیک با یک جبهه تلویحی ویا صریح از سازمانهای چپ است. میگوئیم تلویحی ویا صریح چون این مسئله هنوز روشن نشده است ویا صلاح میباید در اسناد ما در اسبون مراجع تایید، نکته بعدی که در اینجا باید پدیدرسیده شود، اینست که چرا احزاب چپ و کارگری اجازه فعالیت دارند و یا چرا احزاب غیر چپ - که در عین حال جزو همکاران و حامیان دور زیم سلطنتی و اسلامی نیز نیستند - از چنین حقیسی محرومند؟ یا با این شیوهها میتوان عنوان بر طمطراق قدر اسبون گذاشتی را در عمل متحقق کرد؟ بی شک این راه به گردآوری گرایشات معینی میتواند نایل شود که در آن صورت عنوان "پناهندگان ایرانی" بی سمی خواهد بسود. راستی که فرقه گرائی کومله و آشفته فکری او در مخلوط کردن جبهه احزاب سیاسی و تشکلهای توده ای مثال زدنی است.

۳- دفاع از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، یکی از تعهدات قدر اسبون تلقی میشود، اینجا یکی از آشنا ترین اشکال بروز آشفته فکری سکتاریستی و پوپولیستی در مورد رابطه جنبش کارگری با جنبشهای متحدان و ما هیت و جایگاه جنبشهای دمکراتیک است. ما در این زمینه یکبار در پیم کارگر شماره ۱۸ در نقد سخنرانی آقای غلام کشار در گرد هم آئی فعالین سابق کفندرا اسبون به تفصیل نوشته ایم. و اکنون تنها رئوس اصلی نظر خود را تکرار میکنیم، به نظر ما که بر سنت و تجربه طولانی جنبش کمونیستی تکیه دارد، جنبشهای دمکراتیک متولف طبقه کارگر را ی ما هیت غیر سوسیالیستی بوده و به عنوان نیروی کمکی در بیهود شرا یط پیکا ر طبقه کارگر باید از سوی کمونیستها را دیکار لیزه شود، این را دیکار لیزه کردن جنبش دمکراتیک به معنی سوسیالیزه کردن آن، یعنی کاری که پوپولیستها از هر قماش انجام میدهند نیست! این را دیکار لیزه کردن به معنی تحمیل درخواستهای سوسیالیستی نیز نیست زیرا چینی - درخواستهای تنها موجب تجزیه جنبش مزبور میشود، را دیکار لیزه نمودن جنبشها و دمکراتیک تنها به معنی پیگیری ترین مبارزه برای پیگیری ترین و عمیق ترین درخواست دمکراتیک است. مثلا کمونیستها درخواست آزادیهای سیاسی را به شیوه مطالبه دمکراسی سوسیالیستی را دیکار لیزه نمیکند، بلکه با طرح شعار "آزادیهای سیاسی قید و شرط" تلاش میکنند تا بهترین شرایط برای مبارزه سوسیالیستی را فراهم شود، بنا بر این وقتی هیئت موسس متعهد به دفاع از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میشود، از فهمیدن نکته مهم غفلت میکنند نخست اینکه: نقطه اشتراک اصلی پناهندگان، پناهنده بودن و نه موضع مثبت و تعهد نسبت به جنبش سوسیالیستی کارگران است. یک تشکل را دیکار لیزه پناهندهگی باید همبستگی خود را با جنبش دمکراتیک و توده ای سازمان دهد و این البته مورد توجه دوستان ما نیست! آنها در نوشته خود حمایت از کارگران و مبارزه علیه جمهوری اسلامی را ذکر میکنند اما فراموش میکنند (!؟) حمایت از جنبشها و دمکراتیک و مبارزات توده ای و پوپولیست. دفاع از زندانیان سیاسی را بنویسند، این فراموشکاریها هم منظور که گفتیم تا شایک درک "سوسیالیستی" از جنبش دمکراتیک است که نمیخواهد هر چیزی را به اسم واقعیاتش مایزند و بر عکسهمه چیز را آنطور که در آرزوهایش میخواهد مینماید و مدعا، در اینجا باید اضافه کنیم که ما مخالف حمایت تشکلهای دمکراتیک از مبارزات سوسیالیستی نیستیم بلکه مخالف تشدید مصنوعی و ذهنی این اصطلاح "شوراها" در قبال کارگران هستیم، تعهدی که فاقد مضمون عملی تعیین کننده است.

دوم اینکه: برای اینکه در عمل و نه در حرف یک جنبش دمکراتیک "متعهد" به دفاع از جنبش سوسیالیستی بشود، کافی است به جای طرح شعارهای ذهنی و بی مضمون، تلاش نمود که این جنبش هر چه شده ای تروبا در خواستهای دمکراتیک هر چه را دیکار لتری به میدان بیاید، بگذارد و به جای اصطلاح دفاع از کارگران و مبارزه سوسیالیستی آنها، همه پناهندگان برای درخواستهای خود، بر علیه جمهوری اسلامی و به حمایت از جنبش توده ای در ایران به خیا با آنها بیایند، بگذارد و مبارزات آنها هر روز تنگنای بیشتری برای جمهوری اسلامی ایجاد کند، که هر اقدام سرکوب گرانه، هر ترور، هر اعدام، هر لشکر کشی به کردستان و روزبه روز مشکل تر شود، آنگاه هیئت محترم موسسین و سایر نظریه پردازان حزبی خواهند دید که بدون حتی یک کلمه حمایت از درخواستهای سوسیالیستی کارگران، در عمل و در زندگی شرایط مبارزه دمکراتیک و سوسیالیستی کارگران

بقیه در صفحه ۹

پذیرفته می شود، این یکی از مهمترین موارد عقب نشینی حزب کمونیست از خط قبلی خود است. خطی که بر مبنای آن جنگ ملیسی دائمی در تشکلهای بر علیه طرفداران نظرات معین به راه می افتاد و به این وسیله این تشکلهای پس از مدت کوتاهی از رشد و جلب پناهندگان بازمی ماندند... جالب این است که هیئت موسس در ارزیابی خود از تشکلهای پناهندگان، با یک معمولیت ظاهری بر راستی شکفتن انگیزا بنظر آنها رنظرمی کند: "تاکنون بسیار کمیتهها، کارونها و یا اتحادیههای دیگری تحت نام پناهندگان ایرانی ایجاد شده اند که صرفا مکانی برای رقابت سازمانهای سیاسی و میتوان گفت عمدتاً رقابتی با نام، محلی برای مجادلات و کشمکشهای نامربوط به شرایط موجود و تشکلهای بی توجه حدی به مشکلات واقعی پناهندگان بوده اند... باید که به این تجربه یا چشمانی بازنگریست" آری "باید که به این تجربه یا چشمانی بازنگریست" و به پناهندگان یا دوری کرد که چه کسی به حزب کمونیست و پوپولیستهای طیف اقلیت به تشکلهای بعنوان محلی برای کشمکشهای نامربوط و بی توجه به مشکلات واقعی پناهندگان برخورد کرده اند. آیا انشعاب در سمینارها مبورگ جسیس کشمکشهای نامربوط و بی توجه به مشکلات واقعی پناهندگان بود یا نه؟ هیئت موسس به این سئوالها پاسخی نمیدهد، اما این سئوالها بالحنی سرزنش کننده همواره و همواره تکرار خواهد شد تا جواب شایسته خود را بیابند. رابطه با احزاب سیاسی به احزاب سوسیالیستی و کارگری محدود شده و به آنها - به جز به مدافعان و همکاران دور زیم سلطنتی و جمهوری اسلامی - اجازه داده میشود که تحت نام خود فعالیت کنند، بسیار خوبه مقصود از آزادی فعالیت احزاب چیست؟ موازین این امر قرار است که در اسناد ما در اسبون سراسری معین شود، اما جای نگرانی نیست چون نمونه ای از این "موازین" با دقت بیشتر را بطه ای که بین احزاب میتوان ندید قرار شود در پناهنده خط با احزاب چپ آمده است توجه کنید: "نظریه مسئولیت سازمانهای سیاسی چپ در سراسر وضعیت حاضر است که ما به شما رو کرده ایم و از شما میخواهیم که از این حرکت حمایت کنید، دامنه و شکل این حمایتها مر بست که شما آنرا تعیین خواهید کرد، ما به نوبه خود میتوانیم صدور پناهنده علنی پشتیبانی، فراخوان به هواداران برای شرکت در این حرکت، سهمگیری فعالین شما در فعالیتها و مسئولیتهای هیئت موسس، شرکت در نشر و توزیع نشریه همبستگی، نشریه هیئت موسس و حمایت مالی از این حرکت را که در لحظه حاضر پویژه عاجل نیز هست را پیشنهاد میکنیم".

از پیشنهاد مذکور بر می آید که به جهت همگیری در مسئولیتها هیئت موسس که علی القاعده امری موقتی و ناشی از غیرانتخابی بودن آنست ما بر پیشنهادات هیئت موسس و وظایف نیروهای حزبی شرکت کننده در یک تشکل دمکراتیک است که معمولاً بصورت یک فراکسیون حزبی در آن شکل عمل میکنند و اگر عناصر وابسته به یک حزب در این فراکسیون شرکت کنند این وظایف را انجام میدهند، اما ذکر یک نکته ضروری است، هیئت موسس چه بداند و چه نداند چه بخواد و چه نخواهد هیچ طرفداران سازمانی نمیتوان جلوی فعالیت احزاب را در تشکلهای دمکراتیک گرفته هر حزبی در تشکلهای فراکسیون خود را تشکیل میدهد و اگر لازم شد حتی خود را علنی نمیکند بنا بر این خطب قرار دادن بعضی از گروهها و حذف راهای دیگر در مان مشکلات "هیئت" نخواهد بود اگر همین فردا در ایران انقلاب شعله ور شود در درون تشکلهای و جمله شوراها (ما فعلا به این کاری نداریم که شوراها عنوان شده از جانب "هیئت" تنها در اسم شورا هستند و در مضمون تشکلهای صنفی و سیاسی اند)، همه کارها بسطت سیاسی شرکت خواهد نکرد، همین امر در مورد پناهندگان نیز صدق میکند.

این مسئله اما جنبه دیگری نیز دارد، فرض کنیم احزاب جبهه اطلاعات هیئت موسس یا سخ مثبت داده و ملاحظاها ان گسترش همکاری با حزب کمونیست شدند، اگر این همکاری از حد پناهندهای هما هنگیها و تپانی برای اینها آن اقدام و علیه این یا آن رقیب سیاسی فرا تر رود، آنگاه ما با یک جبهه از احزاب روبرو هستیم که بر طبق سناریوی هیئت موسس، وظیفه دارد یک تشکل دمکراتیک را سرپا نگه دارند، در اینجا حزب مزبور علیرغم سالها مرزبندی پیوده با جبهه های بقول خودش کمینترنی، به چنین جبهه ای تم میدهد!

می‌زدند و طوری هم پیش می‌رفتند که نام‌مصدق نیز در رابطه با این کارها طرح شود و مصدق را هم به لجن بکشند، اما ما می‌دانیم که مصدق لیبرال‌تر از این بود که به این کارها دست بزند.

بهرگونه روزنامه توفیق، نویسنده‌های طنزنویس را گردمی‌آورد و بعد آن‌ها هرکدام، تنها‌ئی یا با دیگرانی، کار را درجا و به نام‌های دیگری با شیوه‌ها و طرز تفکرهای گوناگون ادامه می‌دادند.

پیام‌گارگر: به نظر شما از این لحظه طنزنویسی به مثابه نوعی مداخله اجتماعی هنرو بیوند هنرمندان با توده کوچک و بزرگ اجتماعی جادفاکتگی نشد. یعنی بین طنز ممنوع و طنز قانونی، یعنی طنزی آزادتر که مستقیماً درگیری با نظام ندارد، فاصله‌ی جدی نیافتاد؟

محبوبی: من این را بیشتر اینگونه طرح می‌کنم. ما حیوان تفکر مختلف و شیوه‌های گوناگون از یکدیگر جدا می‌شدند و هرکدام ارگان خودشان را راه می‌انداختند. مثلاً پرویز خطیبی و تعدادی دیگر که شیوه‌های او را می‌پسندیدند، مثل زارع، جمشید و وحیدی و اسدالله شهرپاری، جدا شدند و "جاجی بابا" راه انداختند، نشریه‌ای که از نظر سیاسی زنده‌تر و صریح‌تر از توفیق بود، اما متأسفانه پشت سرش یک تفکر درست و حسابی وجود نداشت. به همین خاطر مردم در آن هنگام از آن استقبال کردند اما بدلیل فقدان عمق ضرور، زود آسرافرا موش می‌کردند.

عمق بدین معنی که حرفی را که می‌زد، چه در رابطه با مشکلات مردم و چه در رابطه با مسائل سیاسی، آنقدر پیش نمی‌رفت که خواننده را به سمتی بکشاند که او در باب مشکل درکجاست. فقط مشکل طرح می‌شد و این کافی نبود درحالی‌که "چلنگر" عمق داشت. چلنگر مشکل را مطرح می‌کرد و راه حل هم ارائه می‌داد. در "چلنگر گراز" مثلاً "حسن بقال"، "بقال سرگذر" صحبت می‌شد، همراه با مشکلات او و مردم، مشکلات به ارگان‌های دولتی ارتباط می‌یافت، به مالیات به ما مورمالیه، به پلیس و در انتها نیز نتیجه گیری سیاسی می‌شد، حتی وقتی نبود مستراح عمومی در تهران طرح می‌شود، افزایش از آن نتیجه گیری سیاسی می‌کند، اما "جاجی بابا" خیلی مشکلات را به افراد دربار، و مثلاً خواهر شاه ربط می‌داد، که مثلاً اگر خواهر شاه شبانه‌فان مشکل هم حل خواهد شد، درحالی‌که افزایش و چلنگر نظام را می‌دیدند، نه افراد را.

"تا که این نظم و این نظام بجاست یکی از مشکلات ریدن ماست" یعنی یک مضمون غیرمودبا نه را که جزو ادبیات ممنوع است یا مسالسه‌ی سیاسی و نظام ربط می‌دهد.

بعد از شهریور ۲۰ شهریات سیاسی طنز زیا دمنشتر می‌شوند، ضمن اینکه نشریات که هجویات هم بودند، منتشر می‌شد. نشریات که بیشتر کارکنان فحش‌دادن به آبیون بودند، و به زودی نیز از زمین می‌رفتند و می‌مردند. اما نشریات نسبتاً خوب باقی می‌مانندند، که از این میان "بابا شمل" و "توفیق" را، که موفق تر بودند می‌توان نام برد. بابا شمل، در واقع یک روزنامه سیاسی صرف بود و محیطه کارش هم "مجلس" بود. علتش هم این بود که در مجلس نفوذ داشت و از وکلانشناخت دقیقی داشت. به همین دلیل نیز فعالیت‌های مجلس و شخصیت‌هایش مورد بحث این روزنامه بودند. بابا شمل بدلیل همین ویژگی یک اسطوره باقی ماند، و بیشتر هم بدلیل کاریکا توره‌های مفتح اولش که "نیلی بنیانی" می‌کشید. بهر حال بابا شمل به عنوان یک روزنامه قاطع سیاسی مطرح بود و حتی مطالبش روی مجلس اثر می‌گذاشت.

اما توفیق اینگونه نبود. مسائلش بیشتر در مورد مردم بود و کلی‌گویی‌هایی هم راجع به دربار داشت، اگر مسائل حادی بوجود می‌آمد، مثلاً سله نفته آنوقت شخصیت‌ها هم مثل مصدق و سیدضیا مطرح می‌شوند، اما اگر درجه‌ها بحران و بحث سیاسی مطرح نبود، نوشته‌هایش در حد یک کلی‌گویی با قسسی می‌ماند. اما بابا شمل، موضوع خاصی را انتخاب کرده بود و همیشه حرفی برای گفتن داشت. از مجلس می‌نوشت و گاه شخصیت‌های مجلس را تک‌تک تحلیل می‌کرد، نه فقط قبطنا مه‌های مجلس، حتی از رابط خصوصی و کلام نمی‌گذشت این روزنامه بر نفوذ، بعد از تعطیلی، دیگر دنباله‌ای نداشت و به عنوان یک جزیره در مطبوعات طنز فارسی باقی ماند.

اما آنچه که از توفیق بیرون آمد، روزنامه‌های متعددی بودند که



منوچهر محبوبی

در گفتگو با «پیام‌گارگر»

طنز و تارخ، طنز در ایران (۲)

محبوبی: ده‌ها ضرورتی را که انتخاب‌رسان مردم و پیدا کردن فورم و محتوای مناسب برای بیان اندیشه‌هایش بود، یافته بود. ضرورتی که بسیاری از روشنفکران آن‌ها را به آن پی برده بودند، روزنامه‌ی "مورا سرافیل" که "شیوریداربان‌ن برای مردگان" است! چه در مضمون و چه در شکل تا حدی نشان‌های زدرک ضرورت گفته شده است.

در دوره رضاشاهی، دیکتاتوری و خفقان قبل از هر چیز سراج طنزنویسان می‌رود و آن‌ها را سرکوب می‌کند، کاری که تا شهریور ۲۰ بی‌وقفه صورت گرفت. پس از شهریور ۲۰ دوره‌ی آزادی که تا سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ می‌یافت، سبب شد که طنز - نویسان دوباره به میدان بیایند. پیش از این تاریخ یعنی از فاصله ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ روزنامه‌ی توفیق منتشر می‌شد اما اطلاع‌رسانی‌های باارزشی نبود، چاپ‌کننده‌ی غزل‌های آقای فرات یا خود حسین توفیق و تعدادی دیگر نبود، مفتح نخست هم عکس رضاشاه را با عناوین رنگارنگ به چاپ می‌رساند، اما از شهریور ۲۰ ناگهان این روزنامه حالت دیگری بخود می‌گیرد. از گوشه و کنار شاعران و نویسندگانی که ذوق و شوق نوشتن دارند جمع می‌شوند و "توفیق" به عنوان یک پایگاه یا با توفیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در دوره‌ی رضاشاهی غیر از روزنامه "توفیق"، روزنامه "نا هید" هم منتشر می‌شود که برخلاف توفیق حرف‌های هم برای زدن دارد. اما تا ریخچوی واقعی توفیق از شهریور ۲۰ شروع می‌شود. شهریور ۲۰، پس از مرگ حسین توفیق، که صاحب روزنامه بود، پسرش محمدعلی توفیق وارث امتیاز روزنامه می‌شود! و جوانی بود که نه ذوق این کار را داشت و نه اهلیت بود، اما افرادی اهل فن اطرافش را می‌گیرند، افرادی مثل ابوالقاسم حالت، ابوتراب جلی، محمد امین محمدی و افزایش، و چند تا بی‌دیگر که اکنون در خاطرم نیستند. افزایش نخستین شعرهایش را در توفیق چاپ کرد، که درکناره‌ی نویسنده‌گان، معروفترین آن‌ها را خواند (مثل شعر با لتوی پاره) اما افزایش این عرصه را برای خودش تنگ می‌دید و زمال‌های ۳۰ این فکرافتا ده‌خودش روزنامه‌های برپا کند، و روزنامه‌ی چلنگر را به راه انداخت.

روزنامه چلنگر برخلاف توفیق، روزنامه‌ی صدرمدسیاسی بود. توفیق بیشتر در بیسوی انتقادهای اجتماعی داشته نه سیاسی. مثلاً ابوالقاسم حالت شعرهای اجتماعی فراوانی داشت اما با تفکر خاصی خودش در این میان اما ابوتراب جلی شاعری بود که هم در زمینه شعرونهم غزل‌های سیاسی سراز دیگران سرخورد می‌کرد. ابوتراب جلی اطلاعات شعری زیادی داشت اما جسارت افزایش را نداشت. افزایش هر جا که می‌دید قالی دست و پا گیر است، قالب‌های شکست تا حرفش را بزند و هیچ بی‌می‌هم از انتقاداتی که سر او می‌شد و با احتمال می‌داد که بشود، نداشت. به همین خاطر نیز افزایش حرف‌ها و سبک‌های تازه‌ای وارد شعر طنزگونه کرد، که یکی از آنها مثنوی‌هایی است با وزن بلند که مخصوص تمییده و غزل است و قبل از افزایش هم کسی این کارها را نکرده بود. گاهی اشرف‌الدین حسینی کارهایی داشت که چندان آگاهانه نبود، که بی‌حسی آریا نیورد "از ما تا نیما" کارها را پیش از در واقع ترجمه‌ی ملانصرالدین می‌داند. اما افزایش نیز به ترجمه نداشت. او با فکرافت اجتماعی خودش و با استفاده از اطلاعات سیاسی‌اش در زمینه سوسیالیسم در عرصه‌ی طنز گام برمی‌داشت، و موفق هم بود. اما متأسفانه بدلیل حزبی بودن، سرانجام تسلیم حزب‌نوده شد، و بویزه در رابطه با مصدق، البته عوامی نیز کمک‌کننده بودند. برای مثال دفترش را "شعبان سیخ‌ها آتش

مطلب قابل چاپ را درست می‌کردند، پرورش می‌دادند و بعد به اسم همان فرستنده مطلب چاپ می‌کردند. این گذشت را البته همه ندانند، این کار روی مردم اشرفی می‌گذاشت، روی من که اشرفی گذاشت.

روش من هم همین شد، مطلب را می‌خواندم و وقت می‌کردم که مطلب آماده برای چاپ چگونه مطلبی ست. و این کار جدا از هر چه، خودش به من لگمی داد و در پیشبرد کار من نیز موثر نبود. این امر به اعتقاد من از نظر خلاصیت هنری بی‌عیب هم نبود. خطراستان را در کردن نویسنده وجود داشت، در واقع ده نویسنده یک فرم می‌گرفتند، چرا که ادیتورشان یکی بود! در حالیکه نویسنده مطلب شاید در همان فرم مورد نظر خودش به جایی بالاتر و بهتر دست می‌یافت، در حالیکه به سبک گفته شده چیزی مثل کالبا س می‌شد، گوشت‌های مختلف همه سرانجام به یک شکل و شما یل. درمی‌آیند! بهر حال این عیب کار نبود. بنا بر این در دوره‌ی مورد نظر، دوره بحران نخت، سه روزنامه مطرح بود: ۱- "حاجی بابا" که بیشتر سوزهایش "دربار" بود. ۲- توفیق، کسه سوزهایش بیشتر از بطنه‌ی حکومت مصدق با مردم بود و شما یل هم به حمایت از مصدق داشت. ۳- چلنگر، که تنها روزنامه‌ی ایدئولوژیک بود، که از ایدئولوژی مشخصی پیروی می‌کرد، مطالبش لنتل بال لنتل از حزب توده تبعیت می‌کرد و پیرو حزب توده و احزاب برادر بود.

روزنامه چلنگر حدود ۳ سال، تا پیدایش سال ۲۹ تا ۳۳، شاید ۵/۸ سال، در دست افراشته بود و بعداً رسماً بدست حزب توده افتاد. حزب توده فکری کرد که این روزنامه وسیله خوبی برای ایجاد ارتباط با مردم است و نیز به لحاظ مالی نیز، کمک مالی خوبی برای حزب دست و پا می‌کند. به همین خاطر روزنامه‌ها

بقیه در صفحه ۱۱

ما برای کمیته کردستان است. در نحوه تشکیل، در شرایط فعالیت و نحوه فعالیت دیگران و در هدف اصلی، اینکه اینبار هدف مزبور با خونردی و به نام پناهندگان و آنهم با یک دنیا اشک و آه و گریه و زاری برای پناهندگان که بیشتر از هر سال زمانی از کومه له صدمه دیده‌اند ندانند، ناشی از عمق بی‌اعتنایی جریان مزبور به نیازها و درخواستهای توده پناهنده و مردم بطور کلی است.

ما چه می‌گوییم
رئوس کلی دیدگاه سازمان ما در مورد نحوه سازمان پناهندگان تا کنون به کرات در نشریات سازمانی تشریح شده است. ما در اینجا یکبار دیگر نظرات خود را بصورت فشرده تکرار می‌کنیم:

سازماندهی پناهندگان بر مبنای فردی و صرف نظر از تعلق سیاسی و ایدئولوژیک بر مبنای پزیرش پلاتفرم و اساساً متشکلها بشیوه دمکراتیک یعنی هر فردیک رای مورت سیگیرد.

تشکلهای پناهندگان بر مبنای خواسته‌های مستقیم آنها و با اتکاء به این خواسته‌ها میتوانند حیات دائمی و شمر بخشی داشته باشند. این خواسته‌ها بهره‌وسعی از مطالبات صنفی و اجتماعی، سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی هنری را در بر میگیرد و تشکلها تعاون و همیاری پناهندگان و مهاجرین را برای برآوردن این نیازهای زندگی سازمان می‌دهند. این تشکلها از پائین و در سطح محلی شکل گرفته و در دوره‌های آینده زمینه همکاری و اتحاد سراسری آنها فراهم میشود.

سازماندهی تشکلهای پناهندگان و هر مجموعه‌ای از این نوع با شرکت خودا فرا دینا هنده و نه بصورت جبهه احزاب چپ مورت میگیرد.

در سازماندهی این تشکلها باید زمینه برای بیشترین فعالیت فعالین تشکلها که وابستگی حزبی ندارند ایجاد شود و بطور عمومی از اتکاء این تشکلها به کمکهای دولتی سازمانهای سیاسی تا حد امکان اجتناب شود.

سازمانهای سیاسی حق دارند به هر شکل در درون هر تشکل به فعالیت سیاسی پرداخته‌اند اما در هر حال از هر اقدام فرقه‌گرایانه که منجر به تضعیف همبستگی و حرکت تشکلها شود خودداری کنند.

تنها برای این میناست که میتوان یک جنبش واقعی را در جریان زندگی پناهندگان و مهاجرین برپا کرد. اما فرقه‌گرایانه که هیچ درسی از مبارزه واقعی نمی‌آموزند، هر چه بیشتر در کج انزوی خود فرو میروند!

موفق ترینش "چلنگر" بود. افراشته روزنامه را منتشر ساختیم با جمعی از همکارانش که از جمله محمد امین محمدی، جلی رامی توان نام برد و نیز کاریکا توریست احمدی را، که هنوز هم هست. (که ما برای کار در آهنگر سرانجام رفتیم و رفتی به کار نشان نداد).

زمانی که توفیق در آمد من بچه بودم و بهنگام انتشار چلنگر کلاس هشتم بودم. چیزهایی برای روزنامه دیواری مدرسه می‌نوشتیم و گاه چیزهایی هم برای روزنامه مورد علاقه ما "چلنگر" می‌فرستادم. روزنامه‌ی چلنگر از کارهای پر ارزش این بود که بخش عمده‌ای از روزنامه را در اختیار مردم می‌گذاشت، کاری که توفیق نمی‌کرد. توفیق عده‌ای نویسنده‌ها توفیق داشت که مضمون و نوشته‌های رایبه خودشان اختصاصاً داده بودند. اگر مطلبی می‌آمد در بخشی بعنوان مطلب خوانندگان چاپ می‌شد. در چلنگر ما اینطور نبود. نه محدودیت وجود داشت و نه حساسیت. ممکن بود مطلب خواننده‌ای در مضمون چاپ شود. به همین خاطر افراشته در برانگیختن شوق مردم نقش ایفا کرد. من بچه بودم که برای چلنگر شعری فرستادم. وقتی شعر چاپ می‌شد، بسا آنکه تغییراتی در آن داده می‌شد، اما به اسم من بود، و این جالب بود و روی من اشرفی گذاشت. بعداً خودم در توفیق این روال را ادامه دادم، نه بعنوان سردبیر استخوان دبیریک بخش، این گام پر ارزشی بود چرا که این حس که "هر چه می‌نویسم باید به اسم خودم باشد" زبین می‌رفت. در حالیکه، مثلاً، عباس توفیق "اینکار را نمی‌کرد. نوشته دیگری را دستکاری یا روئوسی می‌کرد به اسم خودش چاپ می‌کرد، می‌خواست بگوید که این اسم که این شعریا مطلب را درست کردم! در چلنگر ما روش دیگری که اشاره کردم پیش می‌رفت.

درباره "فدراسیون شورایی"

ادامه از صفحه ۷

بهبود محسوس یافته و جنبش دمکراتیک نسبت به تعهد خود به جنبش کارگری و درخواستهای سوسیالیستی آن، وفادار مانده است. آری تعهد این است و نه آن!

نتیجه اهداف واقعی تشکیل فدراسیون: هیئت موسس موفق به ایجاد تشکل پیشرو و چپ دمکراتیک پناهندگان ایرانی، آنطور که مدعی شده نخواهد شد. زیرا چنین تشکلی در نحوه تشکیل یا با اتکاء به توده پناهنده و فعالین واقعی و عملی این جنبش ایجاد شده و یا در حدیک تشکل دست نشانده باقی خواهد ماند. یک تشکل پناهندگی اما صرفاً به دلیل شرکت چپها در آن حول احزاب چپ تشکلی "چپ" نخواهد شد، زیرا سوسیالیزه کردن آن اقدامی "راست" است نه چپ و بعلاوه این نوع سوسیالیزه کردن به برنام‌ها و اهداف واقعا رادیکال لطمه خواهد زد. زیرا از بسیج همه نیروی ممکن برای اهداف مزبورنا توان خواهد ماند. تشکل مزبور حتی یک تشکل پیشرو نخواهد بود، زیرا هیچ اندازة فرزندی رهبران و لور رهبران "چپ" نمیتوانند آن نقش پیشروی را که یک جنبش متکی به آحاد پناهندگان بازی میکند، به یک تشکل دست ساز وابسته به یک حزب معین ببخشند.

تشکل مزبور در حیات خود بیش از پیش با بدیهه‌های تکیه کنندگان آنرا مورد استفا ده قرار دهد و به همین نسبت در مقابل آن "متعهد یعنی وابسته خواهد بود. این نیازها ما صرفاً یک طرفه نیست. فدراسیون، مخلوق و فرزند حزب کمونیست و یک حلقه از برنام‌ها در خارج کشور است. این حلقه چه وظایفی دارد؟ وظایف فدراسیون عبارت است از سازمان دادن طیف روبه افزایش هواداران جدیداً مهاجر شده و احیاناً مسئله‌دار کومه له و جلا زدن این کار به عنوان سازمان دادن پناهندگان. این اقدام البته با بدبختی منت بر سر پناهندگان و یک دنیا آغماق و دمکرات‌نمائی نسبت به ما بسر احزاب چپ مورت میگیرد. این اقدام با بدبختی دمکراتیک و فرقه‌ای گذشتہ را با یک دسته گل، با یک تبسم، با یک سوال مهیج آرایش دهد، تا بتواند به عنوان "فدراسیون شوراهای پناهندگان" حیرای اینکه ما جزا با بساد با ملاحظه بین المللی داشته باشد ملاحظا هر شود و احیاناً اینجا و آنجا - به نام پناهندگان و به بهانه کمک مادی به آنها، امکان‌ها برای حزب و نه بسیاری پناهندگان جمع آوری کند. ستاریوی "فدراسیون" تکرار منسجم و تروپخته تر

آلمان دمکراتیک

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان در یک نشست خود تصمیم گرفت که یک رشته فرمهای سیاسی را برای پایان دادن به مشکلات سیاسی داخلی کشور معمول دارد. این مشکلات در حدودت حول وحوش جشنهای چهلیمین سالگردتای سیس آلمان با هجوم چند هزار نفر از شهرنشینان آن به سفارتخانههای آلمان در برلین و ورشو و نیز ادامه مهاجرت به غرب از طریق مرز لهستان بر جسته شده بودند.

تظاهرات و تجمع های اعتراضی روزهای اخیر که مهمترین آنها تظاهرات ۷ هزار نفری در شهر لایپزیگ به حساب میآید، مقامات محلی و سپس رهبری حزب را به تغییر سیاست و چاره اندیشی واداشت. معمول نمودن آزادی های سیاسی و از جمله حق تشکل مستقل، میانه گیری آزادی در باره مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه آلمان و دخالت دادن خود ها و وسیله های مهم ترین فرمهای هستند که در دستور قرار گرفته اند.

از سوی دیگر میخائیل گورباچف در دیدار خود از آلمان دمکراتیک ضمن دفاع از ضرورت سوسیالیسم سوسیالیستی، آنرا امری منحصر داخلی برای هر کشور سوسیالیستی دانست و به غرب در مورد دخالت در امور داخلی آلمان دمکراتیک هشدار داد.

مجا رستان

گنگره حزب سوسیالیست کارگران مجارستان تصمیم به انحلال خود و تشکیل یک حزب جدید بنا به حزب سوسیالیست مجارستان گرفت. تصمیم مذکور که در میان اعتراض شدید عده ای از نمایندگان و بیسای مخالفت بسیاری از رهبران حزب نظیر کارول گرش دیبیر اول سابق حزب ساختا شده، نقطه پایانی بر اختلافات درون سگرا پیش اصلی درون حزب نهاد. گرایش سوسیال دمکراتیک به رهبری "پژگای" وزیر کشور سابق مجارستان و گرایش میانه به رهبری نیز موفق شدند که گرایش دیگر حزب به رهبری گرش را کنار زد و در یک اقدام غیرمنتظره آنها را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. حزب جدید هدف خود را گذارتدریجی و صلح آمیز به سوسیالیسم دمکراتیک قرار داده است و میخواهد در چارچوب یک نظام چند حزبی به رقابت با سایر احزاب که در مورد تحولات جاری محتاط و در عین حال بدبینانه موضع گرفتند بپردازد. در حالیکه رهبران مخالف انحلال حزب

اخبار کوتاه

کودتای نظامی در یاناماسکت خورد. این کودتا که به تشویق آمریکا صورت گرفته است و بر طبق نقشه طراحان آن، کودتایان میبایست زنیال نوریکا را دستگیر کرده و به آمریکا بفرستند، به علت مقاومت شدید بخشی از ارتش شکست خورد و سران کودتا نیز کشته یا اعدام شدند. دولت کلمبیا و چریکهای چپ گرای این کشور

کشورهای غربی و بیویژه آلمان فدرال در کارزار تبلیغاتی خود در هفته های گذشته هدف خود را محققا بی ثبات کردن آلمان دمکراتیک اعلام نموده و گروه بندی های نشوفا شیت، واحزاب دست راستی با به میان کشیدن ادعای باصلاح وحدت دو آلمان تمایل خود را برای ملحق نمودن آلمان دمکراتیک به خود مطرح داده و رهبری این کشور را زیر فشار قرار داده اند. از سوی دیگر جریانات اپوزیسیون در آلمان دمکراتیک نیز در موضع گیری

بهای خود، مرز روشنی با گذشته فاشیستی آلمان و با احیای سرمایه داری در آلمان دمکراتیک ترسیم نموده اند. اغلب این گروهها خواهان بهبود سیستم سوسیالیستی، وسعت دادن به دخالت توده ها در اتخاذ تصمیمات و تعدد احزاب سیاسی هستند. در آخرین نشست دفتر سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان دمکراتیک در ۱۸ اکتبر، ریش هونگر به علت کهولت و وضع جسمانی از سمت خود استعفا داد و دیرکل حزب استعفا داد و بجای او "گون کرنتش" که قبلا در سمت دستیار رهبران انجام وظیفه میکرد، انتخاب شد. "گون کرنتش" بعد از انتخاب با اعلام کرد که حزب قصد دارد به اشتباهاتی که روی داده است تمهید دهد و همچنین آمادگی برای مذاکره با کلیسا و گروههای مخالف و ایجاد تسهیلات برای مسافرت آزاد را اعلام نمود.

تصمیم خود را در بربرگزاری رهبران دمکراتیک اعضای حزب و ادا مهادن به حیات آن مورد تاکید قرار دادند. در حزب جدید البته سبب اختلافات بین دو گرایش اصلی در مورد مسائل پایه ای همچنان وجود دارد. گرایشی که در راستای نیز قرار دارد خواهان ادا مهادن به حیات حزب در کارخانه ها و حفظ بیشترین تعداد ممکن از اعضای حزب منحل شده و حفظ روابط موجود با شوروی و بیلمان و رشتا است. در زمینه اقتصادی سیاست حزب جدید و حزب منحل شده تقریباً یکی است هر دو طرف در اقتصاد با زور تنوع در اشکال مالکیت سوسیالیستی، تعاونی و خصوصی بوده و خواهان روابط اقتصادی فشرده تر با غرب هستند. بهر حال با این اقدام یک گام جدی بسوی انحطاط که سر نوشت و آینده مجارستان را به غرب و سرمایه داری مرتبط می کند برداشته شد. کمونیستهای مجارستان با درک وضعیت ظریف کنونی با بیدرجهت تشکل خود و سازماندهی یک مبارزه با رقیب سیاسی تلاش جدی کنند.

موافقت نمودند که به جنگ فی ما بین خاتمه داده و چریکها در آزادی دریافت تضمین از دولت، به فعالیت سیاسی آزادانه بپردازند. در آستانه آزادی شش نفر از رهبران سیا هوست آفریقای جنوبی، بزرگترین نظامی است اعتراف در مهم ترین شهرهای این کشور برگزار شد. این تظاهرات در دفاعی جدید و با خشونت کمسی

صورت گرفته و اولین اعتراض بزرگ توده ای پس از به قدرت رسیدن "دکتراکا" رئیس جمهور جدید بشمار میرود. دکتراکا در هفته های گذشته به دیدار و مذاکره با رهبران اپوزیسیون و نیز رهبران کلیسا پرداخته و خود آمادگی مذاکره برای معمول کردن فرمهای جزئی را اعلام کرده است.

دولت پرونیست آرتا نتین تصمیم گرفت که بقایای رهبران کودتاچی ارتش که در سال ۱۹۷۶ دولت وقت را سرنگون کرده و در سال بعد از آن مرتکب جناحیهای بیشماری شدند را آزاد کند. پاره ای از چریکهای زندانی مربوط به همین دوره نیز مشمول عفو شده اند.

آلمان دمکراتیک قورت دادنی نیست

نهیست

(بخشی از اظهار نظر کریستا ولف نویسنده آلمان دمکراتیک در ماه مه با صدای آلمان ۱۸ اکتبر ۱۹۸۹) س: شما خود بهتر از من میدانید که مطبوعات در آلمان دمکراتیک بخشی از تبلیغات حزب بشمار آمده و خود این با ورا قبول دارند آیا تغییر لحن مطبوعات به عنوان علامت ضعف و یا حتی آمادگی برای دادن بخشی از قدرت تلقی نخواهد شد؟ ج: از کلمه "قدرت" من درک دیگری دارم. شما بدموفق شویم قانع کنیم که تغییر لحن مطبوعات به معنای از دست دادن قدرت نبوده بلکه به این معنی است که به مفهوم بهتر و درست تری (حزب میتواند) استحکام و شویرو، نه قدرت، بدست آورد. چنین استحکامی را بعنوان حزب آنگاه می توان بدست آورد که آنرا در جایی که وجود دارد، نزد مردم جستجو کنیم، و این برای یک حزب کمونیست، یک حزب سوسیالیست بسیار مهم است.

ما در وضعیتی مشابه با مجارستان قرار نداریم و فکر نمیکنم که راه سخت مشابهی با آنها برای اصلاحات ما درست باشد. ما باید به صراحت روشن کنیم که کشور ما در کدام مرحله است. قرار دارد، توجه کنیم که مفهوم مرزهای ما با غرب چیست، اینها هنوز همواره مرز بین دو سیستم هستند. به علاوه من تصور میکنم که آلمان دمکراتیک به میزانی که موفق به ایجاد دیک آلترا تیبو در مقابل آلمان غربی شود، مردم بیشتری را به خود جلب میکند و به علاوه میتواند در اروپا نقش یک همکار سازنده را بازی کند. همکار سازنده ای برای آلمان غربی نیز به ویژه در زمانهایی که بسیاری از سیاستمداران دست راستی قادر نیستند چنین نقشی را برای آلمان دمکراتیک بپذیرند. آنها ترجیح میدهند که خود را با فکر اینکه شاید روزی بتوانند به راه حتی آلمان دمکراتیک را قورت بدهند مشغول کنند، در این مورد باید بگویم: استخوان در گلویشان گیر نخواهد کرد.

در آلمان دمکراتیک به اندازه کافی افرادی که نمیخواهند قورت داده شوند وجود دارند و از این رو این استخوانها برای این آقایان ایجاد درد سر نخواهند نمود. البته وظیفه ما این است که از این استخوانها چیزهای خوبی درست کنیم و این البته دشوار است.

سوسیالیسم هدف در خودیاشیوه سازماندهی :

ادامه از صفحه ۱۲

تغییر می کند، آنچه نیز در آینده اتفاق خواهد افتاد را نیز باید مرسیم و بسنجیم. هر آینه به زبان ر دیا لکتیک بیان کنیم: یک تفاد نمی تواند طرف دیگر را در آنجا بود، بلکه یک تصمیم، یک سننن بوجود می آید، اینکه این سننن چگونه خواهد بود را امروز کسی نمیتواند بگوید، با بدبینیم که چطور خواهد بود.

س: شما در باره تغییرات در جامعه شوروی سخن گفتید، برگزاری کنگره شورای نمایندگان خلق نمونه سرخه ای از این تغییرات است. ج: در واقع نیز جامعه ما تغییرات زیادی کرده است، اولین حوزه، جایی که در آن تغییرات ریشه ای صورت گرفته حوزه سیاست خارجی است. دومین حوزه را تحت عنوان گلاسنوت می شناسید که به معنای دموکراتیزاسیون است، تغییرات در این حوزه سنننخی سریع صورت میگردد. روند کنگره نشان داد که جامعه ما تغییرات زیادی کرده است. ما نحوه انتخاب کنگره را از اساس دیگرگون کردیم و میباید هم اکنون مشکلات اجتماعی و اقتصادی را حل کنیم.

س: رهبری شما، بازگشت ایدئولوژیک به لنین را دنبال میکند، آیا دموکراتیزاسیون جاری، گامی به سوی ایده دمکراسی در باره این که مشخصه شوراهای در سالهای اول انقلاب بودند، می باشد؟ ج: ما در باره بازگشت به لنین سخن میگوئیم و مقصودمان بازگشت به پرتسبیپا نی است که شکل داد. البته نه راه حلهای مشخصی و که وی در آن زمان پیشنهاد میدنم، بلکه متدولوژی او، مقصودمان بازگشت به ایده های است که در سالهای آخر حیاتش داشت. ایده آشتی دادن منافع فردی و اجتماعی، توسط روابط اقتصادی، توسط خاشمه دادن به خود بیگانگی انسان از تولید، توسعه شیوههای گوناگون مدیریت اقتصاد و توسط بازسازی دمکراتیک جامعه. اما توسعه دادن ایده های لنین برای ما به معنایی که تمام پدیده های نوین در گیتی و در میهنمان را بشناسیم، ما به لنین نزدیک میشویم و در همان زمان از او دور میشویم.

س: شورای عالی اتحاد شوروی در گذشته تنها اهمیتی ظاهری فورمال داشت.

ج: این شورا اکنون یک ارگان واقعی قدرت میباشد که تصمیمات جدی را خودش اتخاذ می کند. دولت وسیله ای است در دست این شورا، به عنوان قدرت اجرایی آن و نه نهاد قانونگذاری که در گذشته نقش زیادی داشت. شورای عالی عملاً همه مسائل سیاست داخلی و خارجی را مورد بحث و بررسی قرار داده تصمیمها را گرفت، مثل تصمیم به ارسال ارتش به خارج از کشور و یا دریا نیست و امویا دادن وام به دول دیگر.

س: آیا در آینده سیاستمداران حرفه ای

خواهند داشت و نه صرفاً کارهای حزبی؟

ج: شما را از انقلاب اکثریت به بعد این بوده: قدرت در دست مردم. حالاً ما به این شرا عمل میکنیم. حزب یک قدرت ایدئولوژیک و سیاسی است، ما یک ارگان تصمیم گیرنده نیست. س: گام بعدی در فرمهای سیاسی چه خواهد بود؟ آیا شورا های مناطق و جمهوریها ایجاد خواهند شد؟ ج: بله، این تداوم سیاست کنونی خواهد بود. شورا های جمهوری ها و مناطق باید قدرت بسیار زیادتری داشته باشند. قدم مهم بعدی عبارت خواهد بود از ایجاد رابطه جدید بین مرکز و دولت فدرال، ما باید توسعه فدراسیون خود را ادامه دهیم.

س: در اصل، روند تفکیک بین حزب و دولت آغاز شده است، با این روند ما بسیاری برداشته از سوسیالیسمی اعتبار میشود.

ج: امروزه در میان ما راجع به اینکسو - سیالیسم چیست، مسأله ای درگیر شده است آیا سوسیالیسم هدف نهایی است یا یک وسیله، یک روش است؟ در اجتماع ما کذا مسن مضمون را برای سوسیالیسم متحقق شده میخواهیم. این میانه سنوز فرجامی نباشد، اما من تصور میکنم که هدف اصلی ما عبارت است از: یک زندگی بهتر برای انسانها، دمکراسی بیشتر، رفوع از خودی - کاشگی و ایجاد شرایط فاسن توسعه و ترقی همه جانبه آنها. سوسیالیسم برای این اهدا فریک راه است و نه یک هدف فنی، نسخه، از همین رو تنام فرمهای ما در این راستا سیر میکنند. سوسیالیسم برای ما به این معنی است: جامعه ای که در آن زحمتکشان زندگی بهتری را داشته باشند.

س: گوربا چف در کنگره نمایندگان خلق، یک حکم سیاسی را اعلام نمود: تمام مشکلات سیاسی داخلی باید از طریق گفتگو حل شوند. اما در گوربا بهای ماه آوریل در گرجستان، عکس این حکم را نشان داد.

ج: در باره موضوع مزبور در کنگره مغفلا بحث شده است. آن حوادث، استثنائی فاجعه بار بود و نه یک قاعده. ما میخواهیم که مشکلات را به شیوه بحث و گفتگوی دمکراتیک و با روش دمکراتیک حل کنیم.

س: آیا با این جمله با خراف موافق نیستید که: مردم به مقامات اعتماد دارند و مردم مقامات به مردم ج: این عقیده وی است. به نظر من انتخاب و انحصار و انتخاب رفیق گوربا چف نشان داد که اعتماد متقابل وجود دارد.

س: آیا بر سترویکا مشکلات اقتصادی شما را شدت داده است؟ ج: نه این مطلب قاطع است. در آقا زکسار بر سترویکا با رنگین دوره های قبل را سبب داشت. وضع الان بهتر شده است. ما خیلی چیزها را تغییر داده ایم، ولی این تغییرات هنوز دیده

نمیشوند، مولدیت کار در دو سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافته است، آنچه که ما تا کنون هرگز ندانسته ایم که افزایش تولید را نمیتوان خورد ۱۱

نوسازی ماشین آلات صنایع ادامه دارد، ما نه به سرعتی که میل داریم، ما به حال سریعتر از بسیاری از سالهای گذشته، ساخت صنعت نیز در حال تغییر است اما هنوز محسوس نیست. در باره های از حوزه ها، تغییرات موشرو واقع شده است، ما منازل مسکونی، کودکستانها، مدارس و سینما رستانهای زیادی درست کرده ایم. امروزه برای ما دو مشکل اقتصادی وجود دارد: بمواد غذایی و کالاهای صنعتی این مشکلات در گذشته نیز وجود داشته اند، اما از دوما و ششم قبل ما به این سر و وضع طور دیگری است. یعنی سطح دستمزدها و حقوقها آنگاه را بالا رفته در حالیکه تولیدات لوازم و کالاهای مصرفی به مقدار کمی افزایش یافته است. فاصله این دو مشکلات تا زمان برای ما ایجاد کرده است. ما سعی میکنیم تا بر این مشکل نیز پیروز شویم.

در دو سال آینده، بهبودی های ریشه ای حاصل نخواهد شد، ولی ما یک راه حل موقت پیدا خواهیم کرد. ما باید موقتاً داشته باشیم، مثل امیبا بدرو ساخت کتای و رزی را تغییر و تولید کالاهای مصرفی را افزایش دهیم، برای این اقدامات به زمان نیاز داریم، اما در سال فعلی وسال جاری ما یک بهبود نسبی خواهیم داشت.

س: اولین تلاش برای رفعم در کتای و رزی عملاً موفق نبوده است، آیا انحلال محتملهای کتای و رزی دلیلی بر عدم این موفقیت نیست؟

ج: نه. مسئله اصلی تغییرات در مدیریت کتای و رزی است. رفوع خود بیگانگی کتای و رزان از زمین، در این راه تا کنون نتایج خوبی داشته ایم. س: شما در "یک نامه به یک رفیق" که در هفته نامه عصر جدید "تجارب رسیده است"، نوشته اید که یک مشکل مزمن تلاشهای اصلاح طلبانه در گذشته، تکرار اشتباهات گذشته در عمل بوده است و به این دلیل با بدروی این اشتباهات بیشتر تکرار شود. شما از کجا اطمینان دارید که این مشکل دوباره بروز نخواهد یافت؟

ج: سیستم جدید ما در سیاست و نیز در اقتصاد، تضمین عدم تکرار اشتباهات خواهد بود، اما نقش اصلی را فعالیت مردم ایفا میکند. آنها در امور اکنون به کلی با گذشته متفاوت است. اگر کسی بخواد دوباره مثل گذشته عمل کند با وی همسراه نخواهیم شد.

س: شما تا چندی پیش جانشین اول یکی از شعبات حزب بودید، اکنون شما مشاور شخصی گوربا چف هستید. آیا این برای شما یک ترقی است

ج: شما بهتر بنده اند: همه قدرت به دست شما خواهد بود!

مترجم: میران - ف

منوچهر محجوبی ●●

ادامه از صفحه ۹

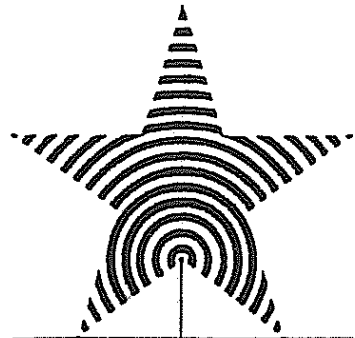
میکنند دمکراتیک تر رفتار کنند و کوشش نکنند نظرش را به مطبوعات تحمیل کند، که این البته نازکی دارد، و گرنه هیچ گروه سیاسی ای بدش نمی آید که نشریه ای سیاسی و موفق را در دست خود بگیرد و از موفقیت آن استفاده نکند. بهر حال چپ ایران مسأله را دریا یافته است و تا بدهم بخاطر مقامت روزنامهها بود، در رابطه با آهنگر بخورد خوبی می شد، حمایت و نگاه انتقاد، و این رابطه ای بود خوب و بالغ به نظر من.

ادامه دارد

از دست افراشته بیرون کشید، و افراشته دیگر هیچ کاره بود، شعرهای افراشته از این به بعد فدا رزش شد، چرا که شعرهای دستوری و حزبی بود، و این خب، ضربهای بود که حزب توده به هنر روزنامه نویسی و طنز نویسی زده است چیزی که در حال حاضر چپ ایران، به نوعی پذیرفته که خطا بوده و تلاش

سوسیالیسم: هدف در خودیاشیوه سازماندهی

مما حسه ای با وادیمزا گلدسن مشا ورگوربا چف سرکرفته از فولکس سائیتونگ ۹۰ ژوئن ۱۹۸۹



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در دهه کارگرها

★ برنامه های براسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتساه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود . این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد .

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود .

برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:
★ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود . همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد .

★ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود . این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود .

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

تشخیص و پوزش

در پیام کارگر شما رد ۵۲ بعضی اشتباهات چاپی و فنی و جا افتادگی وجود داشت که ضمن پوزش از خوانندگان تشویح میگردد .

— در گزارشی از مبارزه با هتکات دین هوش در صفحه ۳ دوسطره ۱۰۰۹ از این گزارش جا افتاده که از اینقرارند

... بنا هندی خویش میمانند و در خیلی از موارد ، تقاضاها ایشان رد میشود . گریه حرکت وسیع و تنوع آید ه ه ه ه صفحه ۵ — هنر ، نام احمدنا ملوا شتبا ها در بالای صفحه آمده که با پدر برای شعرا این صفحه قرار گیرد . صفحه ۱۶ — خط اول مراسم بزرگداشت شهید مدیقی کما نگر ، کلمه کاردا شتبا ها بجای کاردا آمده است .

با پیام کارگر همکاری کنید!

مسئله آلمان (مقصوداً اصطلاح "وحدت دولت آلمان است - م) محبت میشود ، اما در این سفر تعلیم برای اولین بار متوجه نکته تازه ای شدم : تمام افرادی که طرف گفتگوی من بودند معتقدند که طرح مسئله مزبور امروزه غیر واقعی و غیر مفید است ، در باره آنچه که در آینده رخ خواهد داد ، باید صبر کرد و دید . اما وضعیت امروز همان است که ملاحظه میکنید : این وضعیت تغییر نمیکنند ، ما بارها بدلیلین دولت آلمان میتوانیم بهتر شود

س : برای آلمان دمکراتیک ، زیرسوا لرفتن نظام سوسیالیستی آن ، به معنای زیرسوا ل رفتن موجودیت آن نیز هست در حالیکه این مسئله برای لهستان و مجارستان به نحو مزبور نیست .

ج : من فکر میکنم که رفتن مجاری ، چک و لهستانی خواستار سوسیالیسم هستند ، آنرا توسعه میدهد و در جستجوی روشهای نوینی برای این توسعه میباشد ، این کار ملایم است و قابل است . اما آنچه که به آلمان زده مگر استیک مربوط میشود این است که کشوری است خوددیزه که بعنوان کشور سوسیالیستی توسعه میباشد . ما دوستان خوبسی هستیم و مسائل و تحولات داخلی آنها ، به خودشان و تنها به خودشان مربوط است .

س : مجارستان موانع مرزی خود را برمیچیند اینجا دیک خانه اروپایی به تازگی در مورد دیوار برلین خواهد داشت ؟

ج : در باره کدام دیوار محبت میکنم ؟ اگر بطور کلی در باره دیوارها و مرزها بحث کنیم ، در آن صورت ما با بیداری خودمان را توسعه دهیم و ارتباط بهترین تمام ملتها و کشورها را ممکن کنیم ، اما وقتی دیوار به مفهوم سبیل تفاوت دو سیستم مورد نظر است ، در آن صورت تنها راه راه خلقی میتوان آنرا تغییر داد ، برچیدن دیوار خراج از راه دست ، زیرا برچیدن سیستم سرمایه داری خراج از راه دست و این سیستم نیز نمیتواند سوسیالیسم را برسدارد . اگر مقصود از دیوار بقایای جنگ سرد و مفاصله جوشی باشد ، جنسین دیواری با بیداری خواهد بود ، اما با شوه همکاری ، تنها همیشتر و با ن دادن به دشمنی .

س : اگر در باره تحولات اروپا ، مستترنا مل کنیم آیا موضوع نزدیکی و انطابق دو سیستم که شما همواره رد کرده اید بدینتر نمی آید ؟

ج : انطابق یک واژه غلط است . آب و آتش را نمیتوان مخلوط کرد ، در حالیکه نزدیکی و انطابق دو سیستم ، یعنی ساختن یک مخلوط ، یک کوکتل ، ترکیب و مخلوطی از هر دو سیستم غیر ممکن است . سیستمی باقی میمانند ، اما در این میان مشکلات دیگر نیز وجود دارند که فقط مشترکاً میتوانیم حل کنیم ، به علاوه ، روشهای زیادی وجود دارند که ما در هر دو سیستم به آنها احتیاج داریم ، روشهای مشترک ، اما با تفاوت های خاص خود ، و با لایسره وضعیت جدید در اروپا ، مثلاً در شوروی ، گلاسنوست ، دموکراتیزاسیون ، شاسهای روهه افزایش سوسیالیستی کشورهای غربی جملهی شرایط لازم برای نزدیکی اما نه میان سیستمها ، بلکه میان کشورها و خلقها را فراهم میسازد ، سیستمها میمانند ، اما رابطه بین بقیه در صفحه ۱۱

سوسیالیسم : هدف در خودیاشیوه سازماندهی ؟
مما حسه ای با وادیمزا گلدسن مشا ورگوربا چف سرکرفته از فولکس سائیتونگ ۹۰ ژوئن ۱۹۸۹
مترجم - مهرا ن - ف

س : آقای گولتورگاوس در مما حسه ای شما اینروزها به با پیش فرض اینکه سیستم یا لاتا زود ترا زحدا انتظار در حال و ا شدن است خواستار یک سیستم جدید در شریک مساعی اقتصادی و سیاسی در اروپا بود ، به شرط اینکه کشورهای عضویمان و روش عملاً مکان یک نوع فناندیزه شدن را داشته باشند .

ج : امروز ما در عمل دیگر سیستمی با لاتسا را نداریم . هدف نهایی ما این است که بلوکهای غرب جیده شوند ، اما این ، امروزه غیر ممکن است . از این روم پیشنها میکنیم که روابط بین شرق و غرب تغییر کند و به سمت روابط سیاسی گام بر دارد . بلوکها با بیداری از گفتگوی سیاسی در باره صلح و خلق صلاح شوند ، بیانیها اخیر بییمان و روش که چند روز پیش انشا ر یافت نیز چنین مفهومی دارد .
و اما در باره فناندیزه شدن ، در واقع این واژه خاصی است ، فناندیزه شدن است و لهستان لهستان ، از یک طرف ما روابط خوبی با فنانلاند داریم ، این روابط نمونه خوبی از مناسبات بین کشورهای با نظامهای مختلف هستند . در واقع امروز ما ایجاد شرایط جدید صلح در اروپا در دستور کار قرار داده ، خطوط اساسی سیاسی آتی قاره اروپا هم اکنون شکل گرفته اند و در یک روند تمام اروپایی توسعه می یابند ، مثلاً مذاکرات وین بیشتر نهایی قابل ملاحظه ای داشته است ، از نظر من ، این یک چهارم خوب موجود است ، ما دلیلی نداریم که شیوه ای را که تا کنون ما اختیاریم و در دست داریم و نگذاریم و چیز جدیدی را جستجو کنیم . به همین نحو فنی خوب است و ادا ما خواهد داشت .

س : این به معنی وجود سیستمهای احتمالی گوناگونی در داخل هر یک از بلوکها نیز می تواند باشد ؟

ج : هم اکنون در داخل هر بلوک ، یک نظم اجتماعی واحدی وجود دارد ، اما با شکل های گوناگون در چگونگی توسعه که منظر من طبیعی است ، ما تفاوت بین کشورهای لازم می دانیم ، اگر چه آنها متعلق به یک سیستم باشند .
س : در این روند ممکن است تغییرات سریع داخلی در لهستان و مجارستان ، آنها را سریع تر به سمت کشورهای با زار مشترک اروپا سوق دهد .

ج : در رابطه ما بین تمام کشورهای شرق و غرب با بیداری شکل نوین تنیدگی اقتصادی توسعه یابند . این تنها به مجارستان و لهستان محدود نمی شود ، بلکه با بدتال مل شوروی و کشورهای دیگر نیز میشود . آنچه که ما اکنون در روابط اقتصادی با آلمان فدرال وجود دارد ، با بدتال مل سوسیالیستی اروپا نیز میشود .

س : متحدان غربی آلمان در آخرین منا زعات بر سر راکت ها (مقصود عوای بسین نا تودر مسورد مدرسیزه کردن موشکهای سرد کوتاه است) ، هراس خود را از آن نوع تغییراتی در اروپا که "مسئله آلمان" را مجدداً طرح کند نشان داده اند .
ج : در اینجا در آلمان فدرال ، همواره در باره